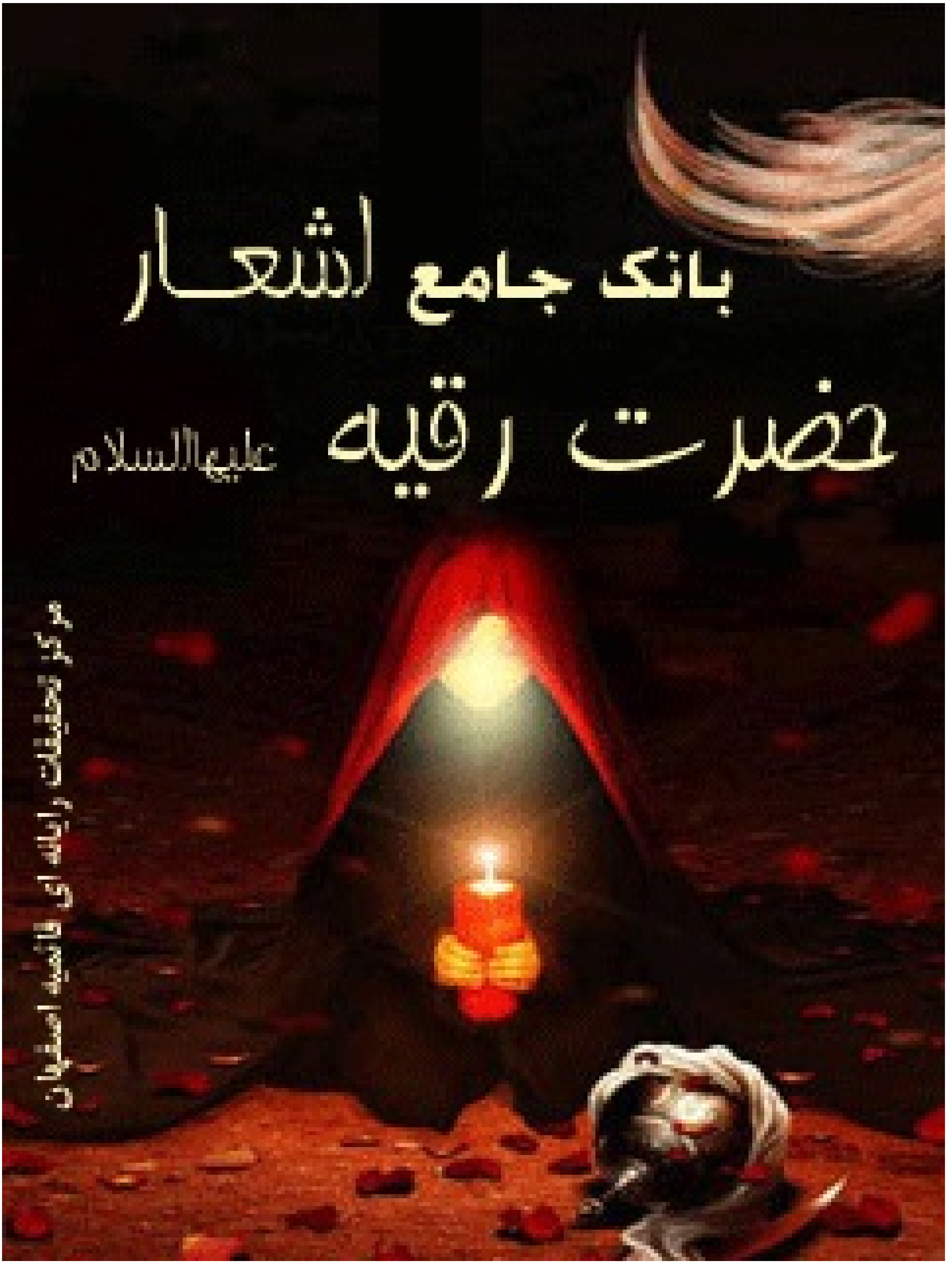

بانک جامع اشعار
حضرت رقیه
علیها السلام
مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

بانک جامع اشعار حضرت رقیه علیهاالسلام

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بانک جامع اشعار حضرت رقیه علیهاالسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور:بانک جامع اشعار حضرت رقیه علیهاالسلام/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: حضرت رقیه علیهماالسلام

۱- قبول باشه زیارتت رقیه یا رقیه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قبول باشه زیارتت رقیه یا رقیه

تموم شده اسارتت رقیه یا رقیه

خداحافظ

*****

داره وصیت به زینب اشکای روضه دار تو

ذکر ابوالفضل بگیرم بالا سر مزار تو

شده با زخم بدنت، چادر خاکی ات کفنت

با گریه صدا می زنمت(۲)

*****

خداحافظ

دارم یه دنیا درد و غم رقیه یا رقیه

نفس نمونده تا بگم رقیه یا رقیه

حس می کنم فاطمیه است یاس خراب پرپره

تشیع جنازه ات شبونه خیلی شبیه مادره

دیگه راهی سفری، از این اشکام با خبری

چی می شه منو هم ببری(۲)

*****

خداحافظ

رو نیزه ها سر بابات رقیه یا رقیه

می خونه فاتحه برات رقیه یا رقیه

مادر تو داره شتاب لحظه ی دفن پیکرت

مث شیرخواره می ترسه بره روی نیزه سرت

آرزو دارم بمیرم، مدینه با گریه میرم

برات مجلس ختم می گیرم(۲)

*****

۲- کیستم من دُر دریای کرامت

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب بحر طویل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کیستم من دُر دریای کرامت، ثمر نخل امامت، گل گلزار حسینم، دل و دلدار حسینم، همه شب تا به سحر عاشق بیدار حسینم، سر و جان بر کف و پیوسته خریدار حسینم، سپهم اشک و علم ناله و در شام علمدار حسینم، سند اصل اسارت که درخشیده به طومار حسینم، منم آن کودک رزمنده که بین اسرا یار حسینم، منم آن گنج که در دامن ویرانه یگانه دُر شهوار حسینم، به خدا عمهٔ ساداتم و در شام بلا مثل عمو قبله حاجاتم و سر تا به قدم آینه‌ام وجه امام شهدا را.

*****

بند دوّم

روز عاشور که در خیمه پدر از من مظلومه جدا شد، به رخم بوسه زد و اشک فشان رو به سوی معرکهٔ کرب و بلا شد، سر و جان و تن پاکش همه تقدیم خدا شد، به ره دوست فدا شد، حرم الله پر از لشکر دشمن شد و چون طایر بی‌بال پریدم، گلویم تشنه و با پای پیاده به روی خار دویدم، شرر از پیرهنم شعله کشید و ز جگر آه کشیدم که سواری به سویم تاخت و با کعب سنان بر کمرم زد، به

زمین خوردم و خواندم ز دل خسته خدا را.

*****

بند سوّم

شب شـد و عمه مرا برد، سوی خیمه و فردا به سوی کوفه سـفر کردم و از کوفه سوی شـام بلا آمـدم و در وسط ره چه بلاها به سـرم آمـد و یـک شب ز روی نـاقه زمین خـوردم و زهرا بغلم کرد و سـرم بود روی دامن آن بـانوی عصـمت به دلم شـعله آهی که عیـان گشت سـیاهی و نـدانم به چه جرم و چه گنـاهی به جراحـات جگر زخم زبانش نمکم زد، دل شب در بغل حضـرت زهرا کتکم زد، پس از آن دست مرا بست و پیـاده به سوی قـافله آورد، چه بهتر که نگویم غم دروازه شام و کف و خاکستر و سـنگ لب‌بام و سـتم اهل جفا را.

*****

بند چهارم

همه شب خون به دل و موج بلا ساحل ما شد که همین گوشهٔ ویرانه‌سرا منزل ما شد، چه بگویم که چه دیدم، چه کشیدم، همه شب دم به دم از خواب پریدم، پس از آن زخم زبان‌ها که شـنیدم، چه شبی بود که در خواب جمال پسر فاطمه دیدم، چو یکی طایر روح از قفس جسم پریـدم، به لبش بوسه زدم دور سـرش گشـتم و از شوق به تن جامه دریدم، دو لبم روی لبش بود که ناگاه در آن نیمه شب از خواب پریدم، زدم آتش ز شرار جگرم قلب تمام اُسرا را.

*****

بند پنجم

اشـک در دیـده و خون در جگر و آه به دل، سوز به جـان، نـاله به لب، سـینه پر از شـعله فریاد، زدم داد که عمه پـدرم کو؟ بگو آن کس که روی دامن او بود، سـرم کو؟ چه شد آن ماه که تابید در این کلبه احزان و کشـید از ره احسان به سرم دست نوازش همه از ناله من آه کشیدند و به تن جامه دریدند که ناگه طبقی را که در آن صورت خورشید عیان بود نهادند به پیشم که در آن رأس منیر پدرم بود، همان گمشده قرص قمرم بود، سرشکش به بصر بود و به لب داشت همی ذکر خدا را.

*****

بند ششم

چه فروزان قمری بود، چه فرخنـده سری بود رخ از خون جبین رنگ، به پیشانی او جای یکی سـنگ، لب خشک و ترک خوردهٔ او بـود کبود از اثر چوب به اشـک و به پریشـانی مویش که نگه کردم و دیـدم اثر نیزه و شمشـیر به رویش بغلش کردم و بـا گریه زدم بوسه به رگ‌هـای گلویش نگهش کردم و دیـدم دو لبش در حرکت بود به من گفت عزیز دلم اینقـدر به رخ اشـک میفشان و مزن شعله ز اشـک بصـرت بر جگرم، آمـده ام تـا که تو را هم ببرم، از پـدر این راز شـنیدم ز دل سوخته یـک «یـا ابتا» گفتم و پروازکنان سوی جنان رفتم و دیدم عمو عباس و علی‌اکبرِ فرخنده لقا را.

*****

بند هفتم

حـال در شـام بوَد تربتِ من کعبه حاجـات، همه خلق به گرد حرمم گرم مناجـات بیاییـد که اینجـاست، پس از تربت زینب حرم عمه سـادات، همانـا به کنـار حرم کوچـک من اشک فشانیـد، به یاد رخ نیلی شـده‌ام، روضه بخوانیـد به جان پـدرم دور مزار من مظلومه بگردیـد و بدانیـد که بـا سن کمم مادر غمخوار شـمایم، نه در این عالم دنیا که به فردای قیامت به حضور پـدرم یار شـمایم، همه جا روشنی چشم گهربار شمایم، همه ریزید چو «میثم» ز غمم اشک که گیرم همه جا دست شما

۳- جبین بر زخم و رخسارت به خون بخشیده زیبای

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جبین بر زخم و رخسارت به خون بخشیده زیبایی

غبـار از عـارضت شستم، ولی با اشک تنهایی

لبت از تشنگی چون شیشهٔ قلبم ترک خورده

عجب دارم که چشمت باز هم مانده است دریایی

لوای صبر بر دوش و سرشک سرخ در چشمم

کنم جـای عمـو بـر تـو علمـداری و سقایی

چراغم دل، غذایم گریه، زلفم فرش و سر مهمان

تعـالی الله از این مهمانی و از ایـن پـذیرایی

نمی‌گویم چه شد بر دخترت آنقدر می‌گویم

که جسمم زینبی گردیده، رویم گشته زهرایی

ببر ای باغبان امشب گل خود را به همراهت

کـه پـامال خزان گردیده در فصل شکوفایی

به خود گفتم طواف آرم به دورت، لیک معذورم

نه چشمم راست بینایی، نه پایم را توانایی

توانـاییِ پایـم بـا دویـدن رفت از دستم

نوازش‌های شمر از دیده‌ام بگرفته بینایی

زهجرانت نخوابیدم ولی ممنونم از زینب

که بالای سرم بـا نام تو می‌گفت لالایی

به روز حشر چون بخشد خدا او را به مولایش

گناه «میثم» و عفو خدا باشد تماشایی

۴- سه ساله دختر کجا و یه عالمه دل بیقراری

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سه ساله دختر کجا و یه عالمه دل بیقراری

چه بی خبر رفتی بابا تو مگه رقیه نداری

بی تو مهربون، شد دو کاسه خون

چشمای تر رقیه

*****

یادته قدیما رو شونه ات سر می ذاشتم

کنار تو حتی یه لحظه غم نداشتم

حال روز منو نیگا کن

جون عمه برام عمه دعا کن

دخترت رو صدا کن

*****

حالا که با دست زنجیر پر و بال ما رو می بندند

بگو به اینا که اینقدر به لباس پاره ام نخندند

بعد تو بابا، تو بیابونا

چی میاد سر رقیه

*****

می بینه که دستام می لرزه نا نداره

دیگه برای آبله پام جا نداره

کعب نی وقتی روبرومه

وقتی رو نی سر عمومه

دیگه کارم تمومه

*****

بهت می گفتم همیشه محاله که از تو جدا شم

ولی حالا بی تو باید همسفر نا محرما شم

ماه نی نشین، خاکا رو ببین

روی معجر رقیه

*****

پا به پای نیزه دویدن خیلی سخته

می ریزه زمین خون رگهات لخته لخته

مونده این آرزو تو سینه ام

کاش منم اون بالا بشینم

این روزا رو نبینم

*****

۵- ای سر که پر خونی به چشمم آشنایی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سر که پر خونی به چشمم آشنایی

گویا سر بابم حسین سر جدایی

سرت بنازم ای پدر

شبم ز رویت شد سحر

پدر حسین جان

*****

از لطف خود شرمنده ام کردی پدر جان

گر مرده بودم زنده ام کردی پدر جان

اما چرا دیر آمدی

رفتی جوان، پیر آمدی

پدر حسین جان

*****

چون تو مهی ویرانه را روشن نکرده

با سر کسی از دخترش دیدن نکرده

سرت شده مهمان من

کو پیکرت جانان من

پدر حسین جان

*****

در جمع ما تا آشیان کردی پدر جان

با چشم دنبال که می گردی پدر جان

نگاهِ یاری می کنی

یا سرشماری می کنی

پدر حسین جان

*****

در کوفه یک دم آمدی و زود رفتی

دیدی که زینب بی تحمل بود و رفتی

رفتی و امشب آمدی

چون اشک زینب آمدی

پدر حسین جان

*****

من کار سقایی به اشک دیده دارم

مهمان نوازی از سر بریده دارم

شام یتیمی شد سحر

ای شامیان اینم پدر!

پدر حسین جان

*****

بابا ببین قدر و مقام دخترت را

عمه تنت بوسید و من بوسم سرت را

خواهی اگر رقیه را

با خود ببر رقیه را

پدر حسین جان

*****

دیدم چو بوسد عمه ام زیر گلویت

من هم به خیمه دیده کردم آرزویت

امشب ببوسم این گلو

رسیده ام بر آرزو

پدر حسین جان

*****

قوت ندارم تا که رویت را بشویم

با اشک، خون های گلویت را بشویم

پیش سرت دل داده ام

از دست و پا افتاده ام

پدر حسین جان

*****

رنگ تو و من زرد از غم گشته بابا

چشم تو و من خیره در هم گشته بابا

آخر بکن لطفی به من

چیزی بگو حرفی بزن

پدر حسین جان

*****

۶- کوچکترین ستاره ی دریا کمی بخواب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع غزل مرثیه ۸۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کوچکترین ستاره ی دریا کمی بخواب

آتش گرفت دامن صحرا کمی بخواب

دیگر بس است بر سر نی هر چه دیده ای

لختی ببند پلک تماشا کمی بخواب

بر نی سه ساله بغض تو را جار می زنند

ای راز و رمز سوره ی طاها کمی بخواب

تو کودکانه حس مرا داغ می زنی

آتش مزن به سینه ی گل ها کمی بخواب

بی تازیانه زخم مرا تازه می کنی

آه ای بلور گریه ی زهرا کمی بخواب

جایی برای داغ تو پیدا نمی کنم

هفتاد و چندمین غم باب کمی بخواب

دیگر بس است بغض و بهانه پدر رسید

لالای و لا لا لا لا لا لا کمی بخواب

۷- غم به سر شد، شبم سحر شد، خدا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غم به سر شد، شبم سحر شد، خدا

ماه خرابه، روی پدر شد، خدا

خبر به عالم دهید

ماه منیرم دمید

دوای دردم رسید

پدر! سلامٌ علیک

*****

مسافرم از سفر رسیده، خدا

ز شیرخواره، خبر رسیده، خدا

خون خدا آمده

مونس ما آمده

ز کربلا آمده

پدر! سلامٌ علیک

*****

چو غنچه بگشا، دهان خشکت پدر

که من ببوسم، لبان خشکت پدر

فدای تو دخترت

شود فدای سرت

این سر بی پیکرت

پدر! سلامٌ علیک

*****

ای گل زهرا تو را ببویم پدر

به اشک چشمان، رخت بشویم پدر

تو میهمان منی

نه بلکه جان منی

روح و روان منی

پدر! سلامٌ علیک

*****

کجاست دستت، در این اسیری پدر

که دخترت را به بر بگیری پدر

به سینه دارم غمی

نشین کنارم دمی

نوازشم کن کمی

پدر! سلامٌ علیک

*****

چو سایه ات بر سرم نبوده است پدر

ز تازیانه تنم، کبود است پدر

فسرده حالم ببین

شکسته بالم ببین

چون نی بنالم ببین

پدر! سلامٌ علیک

*****

۸- در خرابه ی شام عطر لاله دارد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در خرابه ی شام عطر لاله دارد

زیرا که بدانی یک سه ساله دارد

کز قافله جا مانده وز پدر جدا مانده

ای وای رقیه

*****

زان پرستوی عشق بال و پرشکسته

در راه عزیزان منتظر نشسته

تا مسافرش آید یعنی پدرش آید

ای وای رقیه

*****

گرچه دستگیر و کودکِ اسیر است

مکتب پدر را بهترین سفیر است

بشکند اسارت را واکند سفارت را

ای وای رقیه

*****

او که غیر زینب مونسی نبودش

شاهد غمش بود بازوی کبودش

او که روی نیلی داشت کی طاقت سیلی داشت

ای وای رقیه

*****

سرهای بریده در مقابلش بود

اشک چشم زینب شمع محفلش بود

ناله همچو نی می کرد راه کوفه طی می کرد

ای وای رقیه

*****

آن شب که مواجه با سر پدر شد

وضع او دگرگون حال او بتر شد

سوز غصه آبش کرد گل بود، گلابش کرد

ای وای رقیه

*****

چون رقیه طفلی رنج و غم ندیده

همبازی او شد یک سر بریده

خم شد رخ او بوسید رگ های گلو بوسید

ای وای رقیه

*****

۹- گمشده بودم با تو پیدا شدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گمشده بودم با تو پیدا شدم

اومدی و صاحب بابا شدم

منم رقیه بابا جون جا نخور

فقط یه کم شبیه زهرا شدم

حالا که اومدی پهلوم بابا جون، نمیارم خم به ابروم بابا جون

بخواب آروم روی زانوم بابا جون

از سرمم زیادیه، همینکه با سر اومدی

یه تار موی سوخته تو، من نمیدم به احدی

بابای خوبم بابای خوبم بابای خوب و مهربون(۲)

*****

کی گفته من یه دختر اسیرم

خواب خوش و از شامیا می گیرم

من به نمایندگی بچه ها

دور سرت می گردم و می میرم

۱۰- صدای گریه بلنده نیمه شب از تو خرابه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

صدای گریه بلنده نیمه شب از تو خرابه

صدای طفلی گرسنه که هنوز تشنه ی آبه

دختری که خیلی وقته روی بابشو ندیده

با سر انگشتای زخمیش عکسشو رو خاک کشیده

بابامو الان میارند عمه موهام پریشونه

اگه جون مونده به دستات تو بزن موهامو شونه

عمه جون اینجوری بد نیست با لباس پاره باشم

وقتی که میاد بابایی بده بی گوشواره باشم

۱۱- من نخل شکسته ی حسینم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من نخل شکسته ی حسینم

در سوگ، نشسته ی حسینم

هم اختر آسمان عصمت

هم ماه خجسته ی حسینم

دریا شده تشنه‌کام اشکم

پیغمبرخون، امام اشکم

*****

من سوره ی کوثر حسینم

همسنگر مادر حسینم

مانند عمو، گره گشایم

وا...! قسم دُر حسینم

آزاده یتیمه ای صغیرم

صد قافله دل، بوَد اسیرم

*****

قرآنِ فتاده زیر پایم

هر چند، غریبم، آشنایم

هم لاله ی سرخ باغ خونم

هم یاس بهشت کربلایم

با مصحفِ روی لاله گونم

پیغمبرِ قتلگاه خونم

*****

آیینه ی روی سیّد الناس

سرتا به قدم، صفا و احساس

بوده است همیشه جایگاهم

دامان حسین و دوش عباس

هم بوده حسین، سرفرازم

هم دخت علی، کشیده نازم

*****

ویرانه، اگر چه جای من بود

عالم، همه کربلای من بود

چشم ملک از پی تبرّک

بر آبله‌های پای من بود

می بود به جنگ اهل بیداد

در هـر نفسـم، هـزار فریاد

*****

خال لب من، شده است، تبخال

از سوز عطش، زدم پر و بال

نیش سر خارها، به پایم

انداخته‌اند عکس خلخال

بر من دف و چنگ، گریه می کرد

کعب نـی و سنگ، گریه می کرد

*****

بودم به حسین، سرسپرده

کوه غم او، به دوش برده

هر چند که دختری صغیرم

یک مرد، چو من، کتک نخورده

رخسـار منـوّرم، کبـود است

سر تا سر پیکرم، کبود است

*****

من بودم و قلب داغدیده

من بودم و قامت خمیده

آن شب که اجل، گرفت جانم

من بودم و یک سر بریده

سر را روی سینه‌ام، فشردم

در گـوشه ی این خرابه، مردم

*****

۱۲- باز باب عشق سویم باز شد

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه زمزمه ای

قالب مثنوی

شاعر امیر حسینی امیر حسین

منبع برگ سبز

تعداد استفاده ۰

متن شعر

باز باب عشق سویم باز شد
بار دیگر مثنوی آغاز شد
از قلم شد طاقت و صبر و قرار
می نوشتم غرق غم بی اختیار
باید امشب هر دو مان مجنون شویم
بهر طفلی واله و مفتون شویم
با کلامش جسم و جانم را فسرد
فکر من را سوی یک ویرانه برد
پرده ها از پیش چشمم زد کنار
تا که دیدم، سخت گشتم دل فکار
یک خرابه بود و یک دنیا محن
عده ای دلخسته چندین طفل و زن
این طرف یک زن نشسته در نماز
آن طرف تر کودکی غرق نیاز
مادری در فکر یک گهواره بود
آن یکی در فکر مشک پاره بود
دختری با سوزِ شب در جنگ بود
جای بالش زیر سرها سنگ بود
کودکان دل خسته در سوز و نوا
گریه می کردند اما بی صدا
باغی از گل ها ولی بی باغبان
نسترن؛ زخمی، اقاقی؛ ناتوان
چهره ی گل ها یکایک سوخته
از غم و رنج و تعب افروخته
در میان خیل زن ها کودکان
بود طفلی خرد سال و قد کمان
لعل او خشکیده بود از قحط آب
دست هایش زخمی از ردّ طناب
موقع بر خواستن آن بی نوا
با اشاره، عمه را می زد صدا

گونه اش زخمی و پا پر آبله
روی جسمش بود جای سلسله
گاه با یک دست در حال قنوت
گاه در گریه زمانی در سکوت
در دل ویرانه طفل سینه چاک
با سر انگشت خود بر روی خاک
نقش می زد صورت زیبای یار
عکس یک بابا به دستش گوشوار
زین همه رنج و محن از تاب رفت
بر روی خاک خرابه خواب رفت
ناگهان از خواب خوش بیدار شد
از غم هجر پدر بیمار شد
گفت: ای عمه بگو بابا کجاست؟
همدم این دختر تنها کجاست؟
خواب دیدم سر به این ویرانه زد
با محبت موی من را شانه زد
تاب مهجوری ندارم عمه جان
طاقت دوری ندارم عمه جان
تا بیاید از سفر باب غریب
زیر لب نجوا کنم امن یجیب
در همین اثنا پدر از ره رسید
با سر آمد ناز دختر را خرید
دختر مجروح چشمش را باز کرد
شکوه از جور فلک آغاز کرد
گفت بابا کی بریده حنجرت؟
کاشکی می مرد اینجا دخترت
کی شکسته ابروی زیبای تو؟
کی زده با چوب بر لب های تو؟
گوییا در راه هتاکی شده
از چه رو مویت پدر خاکی شده
این جراحت ها ز سنگ کینِ کیست؟
آنقدر زخمی است! جای شانه نیست
ردّ نیزه بر گلویت مانده است

خاک و خون چشم تو را پوشانده است

دست هایت کو پدر نازم کند

با خوشی و عشق دمسازم کند

زد به خود آنقدر تا مجرح شد

رفت از جسمش توان، بی روح شد

طاقت از کف داد بی حرکت نشست

ناله ای زد چشم خود آرام بست

دخترک خیری از این دنیا ندید

گوشه ی ویرانه در خاک آرمید

۱۳- با خودم گفتم رقیه کیست کیست؟

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه زمزمه ای

قالب مثنوی

شاعر امیر حسینی امیر حسین

منبع برگ سبز

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با خودم گفتم رقیه کیست کیست؟

گفته اند این نام در تاریخ نیست

حرف در تاریخ از ویرانه است

داستان دخترک افسانه است

پیش خود نجوا کنان در جستجو

گفتمش بی بی حقیقت را بگو

در همین اثناء دو پلکم خسته شد

خواب رفتم چشم هایم بسته شد

یک خرابه بود و یک دنیا محن

عده ای دل خسته، چندین طفل و زن

هر چه می دیدم همه افغان و آه

خیره شد چشمم به طفلی رخ سیاه

با خودش قلبی پر از احساس داشت

صد نشان از عطر و بوی یاس داشت

دور او حور و ملک در شور بود

گوئیا نسلش ز نسل نور بود

گر چه باشد دخترک کم سن و سال

بُرده مریم، آسیه زیر سئوال

چه جلالی! شوکتی! آزاده است

شک ندارم من یقین شهزاده است

دختر سلطان اگر چه خاکی است

نیست از اهل زمین افلاکی است

پیش آمد دست بر دیوار داشت

در کف پایش گمانم خار داشت

خسته بود و خسته بود و زار بود

گوییا که دخترک بیمار بود

صورتش لبریز از بیداد بود

حرف می زد حرف، لیکن داد بود

اشک افشاندم رهش جارو زدم

پیش پایش با ادب زانو زدم

گفتمش بانوی من تو کیستی؟

گوییا از اهل دنیا نیستی

با لب پر خون مرا شرمنده کرد

دختر سلطان به رویم خنده کرد

با صدایی نارسا آهسته گفت:

من رقیه، اشک در چشمش شکفت

گفت: من هستم عزیز عالمین

دختر سلطانم و بنت الحسین

خون من از خون پاک مصطفی

جد من حیدر بود شیر خدا

یادگار حضرت زهرا منم

دلخوشیّ زینب کبری منم

گر چه دستم با طنابی بسته است

روح و جانم ناتوان و خسته است

مِهر خود در هر دلی جا می کنم

با همین دستم گره وا می کنم

تا قیامت شیعه مدیون من است

دین حق، آباد از خون من است

روز محشر دست می گیرم طبق

قدر من باشد چنان در پیش حق

می زنم فریاد ربّ جرم بخش

هر که را گویم فقط آن را ببخش

این یکی بهرم علم افراشته است

آن یکی هم حرمتم را داشته است

مهربانا او شود اهل بهشت

روی پرچم یا رقیه می نوشت

می شود از جام کوثر مست مست

تا سه ساله دیده گریه کرده است

او به یادم موی خود را می کشید

پا برهنه در عزایم می دوید

آن یکی را نه خدایا برزخی است

قلب من آزار داده دوزخی است

گونه ای دیگر به پایم خار کرد

بارالها او مرا انکار کرد

در قیامت من قیامت می کنم

دوستانم را شفاعت می کنم

غم مخور این حرف با نا کَس مگو

کرده ام او را حواله بر عمو

۱۴- چه عجب صفای خونه پر زدی به این ویروونه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چه عجب صفای خونه پر زدی به این ویرونه

خیلی وقت بود که دل من داشت برای تو بهوونه

ای هلال عمه زینب هنوز خاکستری هستی

زینت دوش پیمبر تو طبق بستری هستی

آرزوم بود که بشینم لحظه ای رو دومن تو

دستامو حلقه کنم من باز به دور گردن تو

میدونم که دیگه باید تو این آرزو بمیرم

آخه هیچ جوری نمی شه سر تو بغل بگیرم

ملک الموت دلِ از این دنیا بردنم نداره

آخه دخترت جونی برای جون سپردن هم نداره

هر چی جون داشت به تن من دست تازیانه برده

خیلی وقته دختر تو جز کتک هیچ چی نخورده

۱۵- جسمم، ضعیف و روحم، سرگرم بال بال است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جسمم، ضعیف و روحم، سرگرم بال بال است

دور فراق، طی شد، امشب، شبِ وصال است

تا یافتم طبق را، دیدم جمال حق را

باید به سجده افتم، این وجه ذوالجلال است

هنگام شب، که دیده، خورشید در خرابه؟

این قرص آفتاب است یا ماه، یا هلال است؟

اکنون که یارم آمد، از ره نگارم آمد

هم ماندنم، حرام است، هم رفتنم، حلال است

افتادم از صدا و سر، مانده روی قلبم

جانم، ز دست رفت و چشمم، بر این جمال است

سر روی سینه ی من، مانند سوره ی نور

تن، از سم ستوران، قرآنِ پایمال است

عمر سه‌ساله ی من، کوتاه بود، چون گل

دوران انتظارم، هر دم هزارسال است

هر شب، به خواب دیدم، جان دادنِ خودم را

امشب، شهادت من، نه خواب، نه خیال است

در سنّ خردسالی، مردِ جهاد بودم

این صورت کبود است، زیباترین مدالم

«میثم» به جان زهرا، بنویس از لب من

من کشته ی حسینم، این است وصف حالم

۱۶- اینجا مزار فاطمه ی کوچک خداست

مشخصات

مناسبت خرابه شام

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اینجا مزار فاطمه ی کوچک خداست

ریحانه‌ای ز گلشن سرسبز ابتداست

یـک کعبـه مـلائکه الله در زمیـن

یک سوره مبارکه نور در سماست

باب الحوائجی است که همچون عموی خویش

پیوسته خلق را به درش روی التجاست

در سن کودکی است علمدار شهر شام

همچون عموی خود که علمدار کربلاست

گنجی است در خرابه و ماهی است در زمین

نوری است بین ظلمت و طوری به قلب ماست

مجموعه فضائل زهرا به کودکی

منظومه اسارت و محبوبه خداست

خاک خرابه‌اش که بوَد تربت حسین

چون خاک کربلا به همه دردها دواست

قرآن کوچکی به روی دست اهل‌بیت

آیات وحی‌اش از اثرِ کعبِ نیزه‌هاست

ذکر خدا تمام نفس‌های خسته‌اش

سر تا قدم شراره فریاد بی‌صداست

تنها نه جان و تن پدر و مادرم فداش

این نازدانه دختر ناموس کبریاست

هم سنگر شهیده زهرا و زینبیْن

آیینه حسین و حسن، قلب مرتضاست

مانند تحت قبه مولایمان حسین

حاجات جن و انس در این آستان رواست

هر نازدانه را به سر دست لاله‌ایست

او را به روی دست، سرِ از بدن جداست

دانی چرا چو فاطمه شب زیر خاک رفت

میراث این سه ساله غمِ دختِ مصطفاست

این ماه پاره، پار ?ماهی است از حسین ?

این سوره مبارکِ «و الشمس والضحی»ست

حاجت از او بخواه که باب الحوائج است

مشکل بر او بیار که دستش گره‌گشاست

یاس کبود آل نبی، پای تا به سر

آیینه‌دار فاطمه از فرق تا به پاست

او یک فرشته و به رخش جای دست دیو

یا یک ملک که گوشه ویرانه‌اش سراست

می‌کرد زیر لب، دل شب از خود این سؤال:

بابا چه شد؟ برادر من کو؟ عمو کجاست؟

اطراف قبر کوچک این دختر حسین

سوز درون، اشک بصر بهترین دعاست

با آنکه در خرابه غریبانه داد جان

ملک خدا به یاد غمش محفلِ عزاست

با اشک، روی سنگ مزارش نوشته‌اند

بر برگ یاس سوخته سیلی زدن خطاست

۱۷- از پاره های جگرم لاله افشانم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از پاره های جگرم لاله افشانم

خوش آمدی، خوش آمدی، تازه مهمانم

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

واویلتا که شامیان، بس‌که نامردند

به جای گل، سر پدر بر من آوردند

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

امشب دگر مراد خود از تو می گیرم

تو را به بر می گیرم و بر تو می‌میرم

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

من مثل زهرا خورده‌ام از عدو سیلی

تو گشته، یاقوت لبت، از چه رو نیلی؟

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

قرآن بخوان، قرآن بخوان، بهر محبوبت

اینجا دگر نمی‌زنند دشمنان چوبت

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

زخم سر زیبای توست، ارثی از حیدر

شکسته دندانت چرا، مثل پیغمبر

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

******

گریه برای دخترت، بین ره کردی

من اوفتادم از شتر، تو نگه کردی

یا ابتا یا ابتا ای حسین جانم(۲)

*****

۱۸- روی نیزه غریبی سر بابا نشسته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روی نیزه غریبی سر بابا نشسته

توی راه کوفه و شام دل زینب شکسته

*****

شامی حیا نداره، دنیا وفا نداره

آخه عاقبت همه سفره

اینجا وادی درده، شبهاش خاموش و سرده

اشکام مث ستاره ی سحره

بابم میاد میدونم، که چشم براش می مونم

میاد منو می بره

*****

ماه ویروونه اومد، خورشید شبونه اومد

وقتی میون سلسله اسیرم

حالا با چش گریون، اما با دلی پر خون

پیش سر بابا زبون می گیرم

دور سرت می گردم، موهاتو شونه کردم

کنار تو می میرم

*****

۱۹- آمدی داغ دل تنگ مرا تازه کنی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب دو بیتی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آمدی داغ دل تنگ مرا تازه کنی

یا دلت سوخته از دربدری های من است

وای بابا چه بلایی به سرت آمده است

لبت انگار ترک خورده تر از پای من است

۲۰- مرا از بر لاله ها می برند

مشخصات

مناسبت ۱۱ محرم

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرا از بر لاله ها می برند

چو مرغی به دام بلا می برند

تو را غرق خون ستم ساختند

مرا هم به بند جفا می برند

جدایم کنند از تو این دشمنان

که سرهای از تن جدا می برند

تو خون خدایی و این مشرکین

تو را کشته نام خدا می برند

اسارت که دیگر ندارد کتک

مرا با زدن ها چرا می برند

به اینان بگو ای پدر جان مرا

چرا می زنند و کجا می برند

کشیدند اینجا چو جانم به خون

کجا دیگر از کربلا می برند

گهم بر روی خارها می کشند

گهم با سر نیزه ها می برند

به طعنی جگرهای ما خون کنند

به قهری دل ما ز جا می برند

به اطفال پاسخ ز سیلی دهند

زمانی که نام تو را می برند

"مؤید "دل ما به حال آورند

چو نامی ز کرببلا می برند

دوایی به درد دلم کن حسین

که خاک تو بهر شفا می برند

۲۱- الا ای ماه خونین که آستانت آسمان بوسد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

الا ای ماه خونین که آستانت آسمان بوسد
چه زیبا آمدی تا دخترت هم آستان بوسد
تو با سر آمدی من هم به جان گردم پذیرایت
که هر عاشق رخ جانانهٔ خود را به جان بوسد
پدر بوسم لبت جایی که بوسیدست پیغمبر
ولی در طشت زر دیدم که چوب خیزران بوسد
تو را من هر چه می بوسم چرا من را نمی بوسی
چو باشد رسم، مهمان را که روی میزبان بوسد
اگر وقت وداع آخرین با عمه ام زینب
ندانستم چرا زیر گلویت با فغان بوسد
ولی الحال می فهمم که می بینم سرت بی تن
که رگ های گلویت را صبا بوید، سنان بوسد

۲۲- در نام رقیه فاطمه پنهان است

مشخصات

مناسبت مدح
سبک واحد جدید
قالب رباعی
شاعر مؤید سید رضا
منبع یک کربلا عطش
تعداد استفاده ۰

متن شعر

در نام رقیه فاطمه پنهان است
از این دو یکی جان و یکی جانان است
در روی کبود این دو پیداست خدا
آیینه بزرگ و کوچکش یکسان است

۲۳- شام غم گنجی که در ویرانه دارد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شام غم گنجی که در ویرانه دارد

گوهری از اشک مظلومانه دارد

دختر کریم است، کارش عظیم است

گوهر یتیم است، جانم رقیه

*****

بسته احرام رسالت در اسارت

کرده با خون جگر غسل زیارت

دارد از دادار، با سر دلدار

وعده دیدار، جانم رقیه

*****

یک دل کوچک کجا و آن همه غم

یک سه ساله آه و سیصد سال ماتم

تیره روزی ها، غم فروز ی ها

خیمه سوزی ها، جانم رقیه

*****

خار صحرا تیر غم در پا و در دل

داغ هجر کودک شش ماهه بر دل

دیده تر گشته، در به در گشته

خون جگر گشته جانم رقیه

*****

پا به پای عمه و مادر دویده

روز و شب دنبال سرهای بریده

با دل پر خون، پا ز ره گلگون

خاطر محزون، جانم رقیه

*****

۲۴- سه ساله ی تو از عمر خودش حسابی سیره

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سه ساله ی تو از عمر خودش حسابی سیره

از این غروبای این خرابه دلم می گیره

ببین که پیره(۲)

این آرزومه یه لحظه تو رو بغل بگیرم

یا جون می گیرم ز شهد لبات یا که می میرم

به غم اسیرم(۲)

بیا و ببین دلشکسته ام، یه گوشه ای تنها نشستم

غیر تو که دیدن نداره، چشامو رو این دنیا بستم

اگر چه من کبوترم، ببین دیگه نمی پرم، شکسته شد بال و پرم، ای بابا

بیا دمای آخرم، ببین چی اومده سرم، اسمتو بر لب می برم، ای بابا

ثار ا... (۴)

*****

به من می گه عمه رفتی سفر پس بر می گردی

همش میگه تو دوستم داری و ترکم نکردی

تو بر می گردی(۴)

بیا که بریم مدینه با هم دوباره بابا

برام بخری لباس نو و گوشواره بابا

دوباره بابا(۴)

بیا که بگم بابا دارم، سرمو رو پاهات می ذارم

دلم می خواد بازم علی رو، بیاری بشینی کنارم

شب غمم سحر می شه، مونس من پدر می شه، با چشمایی که تر می شه، واویلا

خدا رو شکر جون به لبم، زحمت عمه زینبم، ببین که در تاب و تبم، واویلا

ثار ا... (۴)

*****

یتیم تو شب رو خاک خرابه سر می ذاره

ولی بخدا ز درد پاهاش تا صبح بیداره

که خواب نداره(۲)

چشام سو نداره خارا رو از پاهام در آرم

برا همینه یه گوشه نشین بیقرارم

چادر ندارم (۲)

باشه با همین غم می سازم، منم و همین رمز و رازم

با تموم دردی که دارم، ترک نشده بابا نمازم

بیا به من سری بزن، بجای چند تا پیرهن، برام بیار دیگه کفن، ای بابا

تو این شهر خراب شده، دختر تو بی تاب شده، یه شمعیه که آب شده، ای بابا

ثار ا... (۴)

*****

۲۵– نفس در سینه از آهم شرر شد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نفس در سینه از آهم شرر شد

تمام قوت من، خون جگر شد

چه ایامی که از شب، تیره‌تر بود

چه شب‌هایی، که با هجرت سحر شد

چه سود از گریه، هر چه گریه کردم

شرار دل، ز اشکم بیشتر شد

تن صد پاره‌ات در کربلا ماند

سرت بر نیزه با من، هم‌سفر شد

خمیدم، در سنین خردسالی

به طفلی، قسمتم، داغ پدر شد

لب من از عطش، خشکیده بابا

چرا چشمان تو از گریه تر شد؟

زبان عمه، شمشیر علی بود

ولی او بر دفاع من، سپر شد

نگه کردم به رگ های گلویت

از این دیدار، داغم تازه تر شد

اجل، جام وصال آورده بر من

خدا را شکر، هجرانت به سر شد

سرشک دوستانم، دانه‌دانه

تمام نخل «میثم» را ثمر شد

۲۶- پدرم رفت و بود عقده گشایم عمه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پدرم رفت و بود عقده گشایم عمه

بود امید دلم بعد خدایم عمه

بعد بابا که سرش همره ما بر نی بود

انس بسته به من و آه و نوایم عمه

تا نسوزد جگرم بیش تر از داغ پدر

دهد از اشک بصر آب و دوایم عمه

زند از مهر گهی شانه به مویم گریان

کشد از لطف گهی خار ز پایم عمه

تا نیفتم به کف دشمن و سیلی نخورم

نکند لحظه ای از خویش جدایم عمه

من دعا می کنم و مرگ خود از حق طلبم

نشنود این دل شب کاش دعایم عمه

هست تکلیف من امشب بگذشتن از جان

بهترین شاهد من هست وفایم عمه

من به تکلیف عمل کرده و با خیل اسیر

جشن تکلیف گرفته است برایم عمه

جشن تکلیف مرا هست چراغان از اشک

اشک خونین که بریزد به عزایم عمه

جشن تکلیف من این بود که در ویرانه

بست با خون دل خویش حنایم عمه

۲۷- امشب خرابه ام شد چراغانی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب خرابه ام شد چراغانی

جان به کف دارم از بهر قربانی

جان شیرینم در برم آمد سایه بابا بر سرم آمد

آه و واویلا آه و واویلا

*****

شامیان شامیان من پدر دارم

رأس خونین او را به بر دارم

آمدی بابا چشم ما روشن گشته ویرانه از رخت گلشن

آه و واویلا آه و واویلا

*****

اشک چشمم کند مجلس‌آرائی

تـا کنـم از مهمـانم پــذیرائی

زلف خونینم فرش ویرانه رأس‌اوشمع ومن چو پروانه

آه و واویلا آه و واویلا

*****

ای پـدر دیـده بگشا تکلّم کن

بر روی دخترت یک تبسم کن

ای سر پاکت هست و بود من بوسه زن بر روی کبود من

آه و واویلا آه و واویلا

*****

ای فدای رخ بهتر از ماهت

یا بمان یا مرا بر به همراهت

رأس پاکت را در بغل گیرم با تو می‌آیم، بی‌تو می‌میرم

آه و واویلا آه و واویلا

*****

گـر چـه بابا ز هجر تو دلخونم

تـا قیـامت مـن از عمه ممنونم

پیش رویم خود را سپر می‌کرد هر دم از من دفع خطر می‌کرد

آه و واویلا آه و واویلا

*****

من برای تو اشکم بوَد جاری

عمـه بـر من نماید عزاداری

در این خرابه می‌میرم امشب می‌کنـد دفنم نیمه‌شب زینب

آه و واویلا آه و واویلا

*****

صـورت نیلی‌ام را ببیـن بـابـا

گشته چون صورت مادرت زهرا

سیلی از دست قاتلت خوردم ای پدر ارث از مادرت بردم

آه و واویلا آه و واویلا

*****

۲۸– عمه ی نازم، سوز و گدازم ببین

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمه ی نازم، سوز و گدازم ببین

با سر بابا راز و نیازم ببین

شمعم و پروانه ام

مُحرم ویرانه ام

صاحب این خانه ام

رقیه هم می رود

*****

لاله ی سرخم ز دشنه پرپر شده

خرابه ما از او معطر شده

نشسته مهمان من

به دست لرزان من

به روی دامان من

رقیه هم می رود

*****

کتاب عمرم، ز آتش دل بسوخت

جان رقیه، چو شمع محفل بسوخت

نفس نفس می زنم

وداع جان می کنم

شهید امشب منم

رقیه هم می رود

*****

۲۹- دخترم گریه نکن، اشک چشمت زده بر دل شررم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دخترم گریه نکن، اشک چشمت زده بر دل شررم

مادرم منتظر است، آمدم تا که تو را هم ببرم

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

این خرابه، قفس است، آمدم تا که کنم آزادت

با پدر حرف بزن، مانده در سینه چرا فریادت؟

نازنین دختر من گل نیلوفر من (۲)

*****

علی اکبر به جنان، در فراق تو دلش تنگ شده

به پدر سنگ زدند، موی تو از چه، به خون رنگ شده

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

تو که یک طفل استی، قامت فاطمیت، از چه دوتاست

تَرَکِ لب‌هایت، همه از تشنگی کرب و بلاست

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

دیدم از نوک سنان، به روی خار، دواندند تو را

از شتر افتادی، ز چه بر خاک، کشاندند تو را

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

بوی زهرا دمد از، گیسو و رشته ی پیراهن تو

گوییا پیش از من، مادرم آمده بر دیدن تو

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

موی مشکین تو را، پر، ز گرد ره صحرا دیدم

گوئیا بر سر تو، چادر خاکی زهرا دیدم

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

شمع سوزان دلم، چقَدَر سوختی و آب شدی

با پدر حرف بزن، از چه لب بستی و در خواب شدی

نازنین دختر من گل نیلوفر من(۲)

*****

۳۰- ای سفر کرده کـه صد قافله دل همره تو است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سفر کرده کـه صد قافله دل همره تو است

این همه زخم چرا بر روی همچون مه تو است

ابتا یا ابتا

*****

دست پیش آورم و جامه به تن چاک کنم

تا کـه اشک از رخ نـورانی تو پاک کنم

ابتا یا ابتا

*****

شعلـه بیـدادگران بـر پـر پروانه زدند

همه با سنگ جفا موی مرا شانه زدند

ابتا یا ابتا

*****

خنده و شادی و دشنام و کـف و هلهله بود

ده تن از عترت تو بسته به یک سلسله بود

ابتا یا ابتا

شامیان یکسره بر گریه ما خندیدند

پـای آواز ?قـرآن سـرت رقصیدند

ابتا یا ابتا

*****

گلشن وحی خزان گشته گل یاس کجاست؟

ساقی تشنه لبـان حضـرت عباس کجاست؟

ابتا یا ابتا

*****

خاک ویرانه کجا و شجر طور کجا

شب تاریک کجا و طبق نـور کجا

ابتا یا ابتا

*****

۳۱– شب است و خورشید و خرابه و من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب است و خورشید و خرابه و من

سرِ پـدر گرفتـه‌ام بــه دامــن

من و دو چشم پرستاره تو و گلوی پاره پاره

یا ابتا آجرک الله

*****

ماه به خاکستر نشسته بابا

پیشانی‌ات چرا شکسته بابا

سر تو را به بر بگیرم دعا کن ای پدر بمیرم

یا ابتا آجرک الله

*****

در خیر مقدم اشک و ناله دارم

از زلف خون گرفته لاله دارم

من که همای بام عرشم خاک خرابه شده فرشم

یا ابتا آجرک الله

*****

من روضه خوان کوچک حسینم

طفلم و لیکن کودک حسینم

اینجا حسینیه شام است برلب من خنده حرام است

یا ابتا آجرک الله

*****

اگر چه ما را لحظه‌ای امان نیست

قرآن بخوان اینجا که خیزران نیست

قرآن بخوان تا بزنم من بوسه به‌جای چوب دشمن

یا ابتا آجرک الله

*****

هدیه من دو چشم پرستاره

سوغات تو گلوی پاره پاره

زلف رقیه لاله‌گون است محاسن توغرق خون است

یا ابتا آجرک الله

*****

شکر خدا که ما به هم رسیدیم

رخسار هم در این خرابه دیدیم

سکینه می‌کند نظاره بر این گلوی پاره پاره

یا ابتا آجرک الله

*****

۳۲- عمه ی مظلومه‌ام، دست خدا یار تو

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمه ی مظلومه‌ام، دست خدا یار تو

وقت جدایی شده، خدانگهدار تو

گریه به حالم کنید، دگر حلالم کنید(۲)

*****

طایر عشق حسین، فتاده از زمزمه

شبانه دفنم کنید، چو مادرم فاطمه

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

گاه به من، مادر و گاه پدر، می‌شدی

گاه مرا سایه‌بان، گاه سپر، می‌شدی

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

الا اسیران همه من به سفر می‌روم

با رخ نیلی‌شده، پیش پدر می‌روم

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

در این خرابه دلم، تنگ علی‌اکبر است

در نظرم دم‌به‌دم روی علی اصغر است

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

به گلسِتان جنان یاد کنم از همه

سلامتان را برم، به مادرم فاطمه

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

اگر چه من بوده‌ام، طفل صغیر حسین

دگر به شام بلا شدم سفیر حسین

گریه به حالم کنید دگر حلالم کنید(۲)

*****

۳۳- بوی تو می آید امشب از خاک ویرانه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بوی تو می آید امشب از خاک ویرانه

باد صبا می دهد مرا مژده ی تو را آمدی بابا

مستانه مستانه (۲)

خون می رود از دیده ام چون لاله ی پاشیده ام

چون اشک خود غلطیده ام

دیگر نمانده در تنم نیروی عمه گفتنم

*****

بر دانم ای سر بنشین تا در دل گویم

ای ماه در خون نشسته ام دلشکسته ام حال من بنگر

نیلی شده رویم(۲)

ای مایه ی آرامشم زخم لبت زد آتشم

جام اجل را سر کشم

دیگر نمانده در تنم نیروی عمه گفتنم

*****

امشب تو را گویم جویم با دست بشکسته

بوسم ترک های لب تو جای لب تو روی گونه ام

بنگر که بنشسته(۲)

از چه سرت بشکسته است جانم به جانت بسته است

روحم ز دنیا خسته است

دیگر نمانده در تنم نیروی عمه گفتنم

*****

با اشک خود شویم رویت از خون و خاکستر

از عمه پنهان کنم رخت بهر پاسخت لعل لب بگشا

در این دم آخر(۲)

ای حسرت شبهای من مرهم بنه بر پای من

سوزد همه اعضای من

دیگر نمانده در تنم نیروی عمه گفتنم

*****

۳۴- بوسیدن لبهای تو وقتی نمی برد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب دو بیتی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بوسیدن لبهای تو وقتی نمی برد

حق دارم از دست لبت دلگیر باشم

وقتی به دنبال سرت آواره هستم

باید اسیر این همه زنجیر باشم

۳۵- بلبلی امشب به ویران نغمه خوانی می کند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ***

قالب غزل

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بلبلی امشب به ویران نغمه خوانی می کند

تلخ کامی دیده و شیرین زبانی می کند

دعوت از مهمان به جا آورده در بزم یزید

وز وفای عهد مهمان، قدردانی می کند

اشک و مژگان آب و جارو کرده آن ویرانه را

بین چه با احساس طفلی میزبانی می کند

دیده ی اختر شمارش بر پدر روشن شده ست

مه به روی دامن و اختر فشانی می کند

گرچه طفل است و زمان جست و خیز او، ولی

شِکوه چون پیران ز درد و ناتوانی می کند

گفت بهر دیدن تو زنده ماندم تاکنون

مرگ دیگر از چه با من سرگرانی می کند؟

بهر ره رفتن ز اطفال دگر گیرم کمک

کودکت، جان بر لب است و سخت جانی می کند

۳۶- عمری است که بر روی لبم حک شده نامت

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمری است که بر روی لبم حک شده نامت

دلبسته به دامت

از غیر تو ببریده و می زدم زجامت

هستم غلامت

هر کس به کسی فخر کند من به رقیه

عالم به فدای اسم زیبای رقیه

*****

از فکر تو آرام بگیرد همه جانم

ای روح و روانم

بی مهر تو بیچاره و ناچیز و نَدارم

دلخسته و زارم

آخر ز غم داغ پدر جان و تنت سوخت

از ضربت دستان عدو بال و پرت سوخت

آن لحظه که از ناقه فتادی پدرت سوخت

چشمان ترت سوخت

*****

۳۷- بیا ای سر به ویران با من ویران نشین سرکن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ***

قالب غزل

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیا ای سر به ویران با من ویران نشین سر کن

بُزرگی کن شبی را سر در این بیت محقر کن

ستاره هر چه باشد می فزاید جلوه ی مه را

بتاب ای ماه و دامان من امشب پُر ز اختر کن

اگرغنچه بخندد، باز گردد، گل شود، غم نیست

نظر ای باغبان بر غنچه ی نشکفته پرپر کن

اگر چه پای تو بر دیده ی گل ها بود، اما

بیا ویرانه یی را هم به بوی خود معطر کن

زبان را نیست نیرویی که گویم، عمه ممنونم

تو بگشا لعل لب، از او تَشّکُر جای دختر کن

نه جای تو، نه جای عمه، نه جای من است اینجا

مرا هَمره بِبَر زین جا و، همبازی اصغر کن

۳۸- دارم در این خرابه زمینگیر می شوم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دارم در این خرابه زمینگیر می شوم

پیش از چهار ساله شدن پیر می شوم

یک شب ز پشت ناقه فتادم به روی خاک

از آن به بعد بسته به زنجیر می شوم

یک شب میان دشت گم شدم و حرمتم شکست

هر روز هزار مرتبه تحقیر می شوم

۳۹- دختر کوچک من افسرده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه زمزمه ای

قالب رباعی

شاعر امیر حسینی امیر حسین

منبع برگ سبز

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دختر کوچک من افسرده

از غم و غصه چنین پژمرده

روی او بوسه زد و چشمش بست

گفت با گریه رقیه مرده

۴۰- بیا عمه امشب قمر آمده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ***

قالب آهنگین

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیا عمه امشب قمر آمده

پدر رفته با پا به سر آمده

اگر دل دو نیم ام، نگویی یتیم ام

پدر آمده، پدر آمده

*****

دلم عمه امشب خبر می دهد

شبم را امید سحر می دهد

اگر دل دو نیم ام، نگویی یتیم ام

پدر آمده، پدر آمده

*****

دو چشمش نگویم چرا بسته است

پدر از سفر آمده خسته است

اگر دل دو نیم ام، نگویی یتیم ام

پدر آمده، پدر آمده

*****

تو آگه ز سوز و گداز منی

تو تنها خریدار ناز منی

اگر دل دو نیم ام، نگویی یتیم ام

پدر آمده، پدر آمده

*****

۴۱- تماشایی شده ویرانه امشب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تماشایی شده ویرانه امشب

مهمان شمع است و من پروانه امشب

رأس بریده، از ره رسیده

کنج ویرانه شد غوغای محشر

ا... اکبر، ا... اکبر

*****

کنج ویرانه من در اعتکافم

تو هستی کعبه و من در طوافم

درمان دردم، دورت بگردم

کنج ویرانه شد غوغای محشر

ا... اکبر، ا... اکبر

*****

تو هستی باغبان من گل لاله

تو پیر عشق و من پیر سه ساله

رنگم پریده، قدم خمیده

به مثل مادرت زهرای اطهر

ا... اکبر، ا... اکبر

*****

۴۲– تار و پودی از لباس مندرس گردیده اش

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تار و پودی از لباس مندرس گردیده اش

می تواند دیده ی یعقوب را بینا کند

او که دارد پنجه ی مشکل گشا قادر نبود

چشم های بسته ی بابای خود را وا کند

خشت های این خرابه سنگ غسلش می شود

یک علی باید دوباره غسل یک زهرا کند

۴۳– عمر رقیه به سر رسیده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب آهنگین

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمر رقیه به سر رسیده

مسافرش از سفر رسیده

دختر سه ساله خونین جگر شد

عاقبت فدای سر پدر شد

واویلا واویلا

*****

هر زخم پایش خون گریه می کرد

زینب برایش خون گریه می کرد

شمع شد، لاله شد، پروانه شد او

چراغِ گوشهٔ ویرانه شد او

واویلا واویلا

*****

ویرانهٔ شام غوغا شد امشب

شهادت او امضا شد امشب

زخم تازیانه به پیکر اوست

صورت کبودش چو مادر اوست

واویلا واویلا

*****

۴۴- این مزار مرغکی بی آشیانه ست

مشخصات

مناسبت خرابه شام

سبک ***

قالب آهنگین

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

این مزار مرغکی بی آشیانه ست

قبر یک طفل یتیم و نازدانه ست

من یتیمم، من یتیمم، من یتیمم

*****

عمه جان دیگر نمی گیرم بهانه

بلبل تو امشب افتاد از ترانه

من یتیمم، من یتیمم، من یتیمم

*****

بهتر از گلشن شده ویرانهٔ من

گشته این ویرانه مهمانخانهٔ من

من یتیمم، من یتیمم، من یتیمم

*****

۴۵- امشب خرابه از رخ تو مثل گلشن شد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ***

قالب آهنگین

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب خرابه از رخ تو مثل گلشن شد

ویرانه روشن شد

شکر خدا دیدار رویت قسمت من شد

ویرانه روشن شد

کِی جای سلطانی شده در کنج ویرانه؟

ای جان و جانانه

کاشانه ی بی بام و در، وادی ایمن شد

ویرانه روشن شد

از چه علیّ اصغر خود را نیاورده

پنهان کجا کرده

شاید که او هم کشته از بیداد دشمن شد

ویرانه روشن شد

خواهم بگویم با پدر عمه فداکارست

از بس وفادارست

با چلچراغ اشک او خانه مُزّیَن شد

ویرانه روشن شد

تا بوده گل در اختیار باغبان بوده

با او گل آسوده

من آن گلم که باغبانم زیبِ دامن شد

ویرانه روشن شد

۴۶- بی تو دلم به غیر غمت مبتلا نشد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بی تو دلم به غیر غمت مبتلا نشد

بی تو غمی نبود که مهمان ما نشد

یادش بخیر دوش عمویم بلند بود

تا بود پای من به زمین آشنا نشد

حالا ببین که قسمتم از کوچه های شام

جز زخم های شانه و جز درد پا نشد

از آن زمان که بال مرا هم شکسته اند

دیوار این خرابه برایم عصا نشد

از کوچه ها بپرس چرا قامتم شکست

از پنجه ای بپرس که از ما رها نشد

شکر خدا که چوب تر خیزران شکست

جایی که شرمگین لبت بی حیا نشد

شکر خدا که معجری از خیمه مانده بود

شکر خدا که چشم کسی غرق ما نشد

تقصیر آتش است اگر شانه گیر کرد

طوری گره زده است به مویم که وا نشد

من از تمام روضه ی تو ارث برده ام

افسوس قسمتم نخی از بوریا نشد

(بابا اگر بپرسی که گوشواره ات کجاست؟)

در گوش دختری که مرا سنگ طعنه زد

چشمم ز گوشواره ی سرخش رها نشد

یعنی زمان غارت مان از دو گوش من

بی گوشواره دست حرامی جدا نشد

۴۷- ای سر سری نمانده ز عشقت بخاک نیست

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سر سری نمانده ز عشقت بخاک نیست

کس را ندیده ام ز غم تو هلاک نیست

دل برده است هر سر زلفت ز شام قدر

خورشید هم به مثل رخت تابناک نیست

تو کعبه ای و من به طواف و در این طواف

ذکرم به غیر گفتن روحی فداک نیست

افسوس حجّ دختر تو نیمه کاره ماند

جانی دگر به پیکرم ای جان پاک نیست

گفتم زنم به جای حَجَر بوسه بر لبت

اما حَجَر به مثل لبت چاک چاک نیست

دستت کجاست تا که کنی رو به قبله ام

۴۸- بهتر که بسته باشد چشمت در این شب تار

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بهتر که بسته باشد چشمت در این شب تار

تا آنکه تو نبینی دستم بود به دیوار

مانند مادر تو با غصه خو بگیرم

دستم رمق ندارد تا از تو رو بگیرم

۴۹- گم شده ام مرد در این کوره راه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه زمزمه ای

قالب مثنوی

شاعر امیر حسینی امیر حسین

منبع برگ سبز

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گم شده ام مرد در این کوره راه

هیچ ندارم بدهم غیر آه

بسته پرم، بال مرا باز کن

نای ندارم، نی من ساز کن

رحم بکن رحم به من، مهربان

خسته دلی را برسان کاروان

از تو کمک خواسته ام ای دلیر

خسته ی راه هستم و دستم بگیر

من که نگفتم به تو حرف بدی

از چه تو سیلی به رخ من زدی؟

از چه سراپا همه در آتشی؟

می زنی و موی مرا می کِشی

من که ز تو خواسته بودم پناه

از چه تو کردی تن من را سیاه؟

زیر لگد های تو ای مرد پست

زنده بمانم به خدا معجزه است

می کُشدم ضربه ی پاهای تو

له شده ام زیر لگد های تو

قبل تو بردند ز من گوشوار

معجر من را ز سرم بر ندار

شکوه نکردم که بهانه کنی

موی ندارم که تو شانه کنی

بس کن ای مرد امانم برید

جان من خسته به آخر رسید

هیچ درون دلت احساس نیست

حیف که اینجا عمو عباس نیست

۵۰- بیا عمه که امشب، خرابه شده گلشن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ***

قالب آهنگین

شاعر انسانی حاج علی

منبع یک دم

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیا عمه که امشب، خرابه شده گلشن

پدر آمد و برگو، که چشم همه روشن

کنم جان به فدایش برای رونمایش

واویلا، واویلا، واویلا، واویلا

*****

بگو عمه که دیشب، پدر پیش که بودست؟

چرا سرش شکسته، چرا لَبَش کبودست؟

کنم جان به فدایش برای رونمایش

واویلا، واویلا، واویلا، واویلا

*****

«با پدر»

اگر به پانخیزم، مگو ادب ندارم

که بهر عذرخواهی، رمق به لب ندارم

کنم جان به فدایت برای رونمایت

واویلا، واویلا، واویلا، واویلا

*****

پدر عمّه به هر جا، سپر به کودکان شد

ز بس سینه سپر کرد، قدش مثل کمان شد

کنم جان به فدایت برای رونمایت

واویلا، واویلا، واویلا، واویلا

*****

تویی آینه ی من، منم مرغ سخنگو

ولی طوطی سَبزت، شده رنگ پَرَستو

کنم جان به فدایت برای رونمایت

واویلا، واویلا، واویلا، واویلا

*****

۵۱- بابا پس از تو در دلم آتش زبانه می زند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ابتاه حسین(۴)

*****

بابا پس از تو در دلم آتش زبانه می زند

دشمن گل باغ ترا با هر بهانه می زند

وقتی صدایت می کنم وقتی که می گریم مرا

یکی بی حیا می آید و با تازیانه می زند

*****

بابا عمو عباس کو تا باز طنّازی کنم

بر دوش او بنشینم و با او سرافرازی کنم

کو اکبرت برادرم تا که ببوسد روی من

کو اصغر شیرین زبان تا با لبش بازی کنم

*****

بابای خوبم چه عجب دیدار دختر آمدی

تنها چرا ای نازنین بی یار و یاور آمدی

کو دست تو تا بر سرم دستی کشی نازم کنی

با پای خود رفتی ولی اکنون تو با سر آمدی

*****

۵۲- منتظرم بیایی گوشه ی این خرابه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

منتظرم بیایی گوشه ی این خرابه

بی تو نفس کشیده بابا برام عذابه

تو برام گوشوار میاری من برات انگشتری هدیه میارم

تا بیایی در خرابه من به پیش تو پدر جان می سپارم

*****

۵۳- رسم به وا... تو ماها ناز یتیم و می خرند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رسم به وا... تو ماها ناز یتیم و می خرند
اگر که بی تابی کنه براش عروسک می برند
اما بگم ز شامیا با ما ها خیلی فرق دارند
یتیم که بی تابی کنه سر باباشو می برند

۵۴- عمه ببین به روی نی بابا نگامون می کنه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمه ببین به روی نی بابا نگامون می کنه
با اون نگاه مهربون این دلمو خون می کنه
عمه مقابل بابا بگو که ما رو نزنن
ماها که داریم راه می ریم با تازیانه نزنن
عمه ببین به روی نی بابا اشاره می کنه

اشاره بر روی من و این گوش پاره می کنه

۵۵- می خوام برم نشون بدم به بچه های شهر شام

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

می خوام برم نشون بدم به بچه های شهر شام

اونا که گفتند یتیمم بگم که اومده بابام

خدا می دونه مثل ما هیچ کی اسیری ندیده

بوی غذای شامیان توی خرابه پیچیده

تا روی نیزه دیدمت خواستم ببوسم از لبات

زنجیر دست و پام نذاشت الهی من بشم فدات

۵۶- گر سه ساله بانوی عالم توئی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گر سه ساله بانوی عالم توئی

هم طراز عصمت مریم تویی

عشق از دامان تو آمد پدید

هر کجا رفتی به دنبالت دوید

آسمان طفلی بود بر راه تو

ماه مات چهره ی چون ماه تو

کودک اما دلبر ثاراللهی

در مسیر عشق با او همرهی

گر بود بر هر لبی نام حسین

گر فلک صیدی است در دام حسین

لیک او را نام تو روی لب است

روی تو بهرش چراغ هر شب است

داشت از بس آرزوی فاطمه

دید در روی تو روی فاطمه

تا حسین می کرد یاد مادرش

می کشیدت همچنان گل در برش

بوسه می زد بر رخ دلجوی تو

شانه می زد دست او گیسوی تو

ای که دادی کربلا را آبرو

جای تو گه بر سر دوش عمو

گاه جایت روی دست اکبر است

گاه هم بر روی دست مادر است

کربلای عشق را مادر تویی

بهترین همبازی اصغر تویی

دلبران کربلا را دلبری

قلب زینب را به آنی می بری

باده ی عشقت ز هر کس نابتر

کربلا با نام تو جذاب تر

گر چه عمرت گشت از سیلی تمام

کربلا را برده ای تا شهر شام

روی دوشت غم فراوان برده ای

کربلا را کنج ویران برده ای

گریه هایت شهر را بیدار کرد

کار را بر دشمنان دشوار کرد

۵۷- تا گل روی تو نمی دیدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تا گل روی تو نمی دیدم
چشم من کاسه ی گلابی بود
در میان دو دست تو رخ من
مثل عکسی میان قابی بود
حال اگر باز بینیم بابا
خود مپندار که اشتباه شده
چهره ی من همان چره است ای بابا
عکس رنگی فقط سیاه شده

۵۸- ز اشک خود (۲) ویرانه را کردم چراغان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع بهار حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ز اشک خود (۲) ویرانه را کردم چراغان
بیا عمه (۲) که از سفر بر گشته مهمان
شب فراق من سر آمد ، مهمانم امشب با سر آمد
پدر پدر پدر پدر جان(۲)

*****

چرا بابا (۲) لعل لبت چون ارغوان است

گمان دارم (۲) که جای چوب خیزران است

خاکستر آلودی پدر جان ، بگو کجا بودی پدر جان

*****

اگر طفلم (۲) ولی غم تو کرده پیرم

لبت بگشا (۲) امشب دعا کن من بمیرم

ببین بود چشمم گهربار ، دو دست من بود به دیوار

*****

فلک من را (۲) در کودکی از پا نشانده

بغیر از یک ، نفس باقی ، از عمر کوتاهم نمانده

بار سفر شبانه بستم ، شد عمه ام راحت ز دستم

*****

چو برگ فصل ، پائیزی ، باشد مرا رخسار زردی

ندارم من ، توان دیگر ، از بسکه کردم کوچه گردی

هر جا که اشکم را بدیدند ، با کعب نی نازم خریدند

*****

۵۹- من دختری سه ساله ، رخم به رنگ لاله

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من دختری سه ساله ، رخم به رنگ لاله

بابا دیگه طاقت ندارم

فریاد از این زمونه ، قامت من کمونه

روی خاکا سر می گذارم

*****

منتظرت نشستم ، دل به امید بستم

تا تو بیای پیشم بمونی

تو بنشین کنارم ، سر رو زانوت بذارم

برای من قرآن بخونی

*****

پاهام رمق نداره ، نه گوش و نه گوشواره

بابا ببین که ناتوونم

عمه نشسته خسته ، خیلی دلش شکسته

امید نداره من بمونم

*****

چند نفری رسیدند ، موی منو کشیدند

نظر به سال من نکردند

مرا به هر بهانه ، زدند تازیانه

رحمی به حال من نکردند

*****

۶۰- دشت تاریک و من از درد به خود پیچیدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دشت تاریک و من از درد به خود پیچیدم

ناگه از دور سیاهیّ کسی را دیدم

بسوی طفل ز ره مانده قدم بر می داشت

ناله ای زیر لب و دست به پهلو می داشت

قامتش بود خم و چهره ی او نیلی بود

حتم دارم که همان هم اثر سیلی بود

گفت بنشین به برم دخترک خسته ی من

تا نوازش کند از بازوی بشکسته ی من

وای از آن لحظه عجب لحظه ی غمناکی بود

من ندانم ز چه رو چادر او خاکی بود؟

۶۱- بابا بیا با همدیگه سری به خونه بزنیم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بابا بیا با همدیگه سری به خونه بزنیم

من روی زانوت بشینم موهام و شونه بزنیم

خوش اومدی خوش اومدی بابا دلم تنگه برات

برای اون خندیدنای باصفات بابا دلم تنگه برات

چی بگم از کجا بگم که چی دیدم چی کشیدم

با پای پر آبله رو خار بیابون دویدم

عمه می گفت بازم میای منو رو زانوت میذاری

رفتی سفر برای من گوشواره ی نو بیاری

حالا که اومدی پیشم قول بده تنهام نذاری

بابا چرا دست نداری؟ بابا چرا پا نداری؟

بابا چی شد برادرم لاله ی من یاسم چی شد؟

رفته برام آب بیاره پس عمو عباسم چی شد؟

بابا ببین رو صورتم یه هاله ی نیلی زدند

با دستاب بزرگشون به صورتم سیلی زدند

بابا گلوم زخمی شده آب می نوشم درد میکنه

گوشواره هامو کشیدند بابا گوشم درد میکنه

بابا اینا کی اند چه دینی دارند سر به سر ما بچه ها می ذارند

برای یتیمی که باباشو کشتن می رند سر بریده شو می ارند

بابا چشام درد می کنه بابا گوشام درد می کنه

بابا پاهام درد می کنه بابا موهام درد می کنه

۶۲- رقیه جان این دل من بونه می گیره

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دختر اربابی ، دلبر اربابی

عزیز حیدر و شبیه مادر اربابی

*****

رقیه جان این دل من بونه می گیره

دوست داره تو خرابه جای تو بمیره

شنیده ام ذکر لبت فقط حسینه

دستای تو کلید بین الحرمینه

*****

شنیده ام بی بی خوب و مهربونی

حاجت قلب عاشقا رو خوب میدونی

عاشقی و منتظر خلق نگاتم

هر کی می خواد هر چی بگه غلام سیاتم

منم شبیه تو حسین و دوست میدارم

جوونیم و بپای این دوستی میذارم

*****

خوب میدونی بی بی خوب و با وفایی

یه کار بکن منم بشم کربلایی

اگه برم کربلا اونجا می مونم

از طرفت توی حرم دعا می خونم

داد می زنم که لطف تو چقدر زیاده

میگم که این تذکره رو رقیه داده

*****

۶۳- نامی که در شمار شهیدان کربلا

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نامی که در شمار شهیدان کربلا

بعد از حسین آمده نام رقیه است

بعد از قیام سرخ حسینی به کربلا

بر حق ترین قیام قیام رقیه است

جانسوز و کفر سوز و روانسوز و ظلم سوز

در گوشه ی خرابه کلام رقیه است

چون او کسی به عهد محبت وفا نکرد

این سکه تا به حشر به نام رقیه است

با دستهای کوچک خود بیخ ظلم کند

عالی ترین مرام مرام رقیه است

یک جمله گفت و کاخ ستم را به باد داد

خونین ترین پیام پیام رقیه است

آن قصه ای که خاطره انگیز کربلاست

افسانه ی خرابه ی شام رقیه است

هرگز نمرد آنکه دلش زنده شد به عشق

عشق حسین رمز دوام رقیه است

او هر چه داشت در طبق عشق حق نهاد

حق محو و مات سنگ تمام رقیه است

در مکتب محبت و جانبازی و خلوص

والاترین مقام مقام رقیه است

گاهی به کوه و دشت و گهی بر خرابه ها

در دست عشق دوست زمام رقیه است

لطفش به سینه احدی دست رد نزد

عالم رهین رحمت عام رقیه است

۶۴- وقتی که مدینه بودیم یادته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

وقتی که مدینه بودیم یادته

غم و از دل می زدودیم یادته

دست تو بود به دستم یادته

روی زانوت می نشستم یادته

وقتی از راه می رسیدی یادته

گوشواره برام خریدی یادته

پیش من بمون همیشه بابا جون

زخم گوشم خوب نمی شه بابا جون

با اینکه دارم می میرم بابا جون

باید از تو رو بگیرم بابا جون

سر تو بخون نشسته بابا جون

چرا دندونت شکسته بابا جون

درد من یکی نبوده بابا جون

بدن عمه کبوده بابا جون

زخم من مرهم نمی خواد بابا جون

نفسم بالا نمیاد بابا جون

دل من ز غصه مرده بابا جون

دختر تو سیلی خورده بابا جون

به گلت نمونده بویی بابا جون

نه داداشی نه عمویی بابا جون

بسکه موهام و کشیدند بابا جون

به سرم نمونده مویی بابا جون

حالا گوشواره ندارم بابا جون

سر روی خاکا می ذارم بابا جون

گردم سلسله داره بابا جون

پای من آبله داره بابا جون

۶۵- آمدی بابا ببین مشتاق دیدارم هنوز

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آمدی بابا ببین مشتاق دیدارم هنوز

خلق خوابیدند و من از گریه بیدارم هنوز

بارها جان دادم از هجرت وفایم را ببین

باز در هنگام وصلت جان به لب دارم هنوز

شمر سیلی زد به رویم تا نگویم نام تو

لیک باشد نام نیکوی تو گفتارم هنوز

یکشب از ناقه فتادم بسکه ضجرم زجر داد

مدتی زین ماجرا بگذشته بیمارم هنوز

عمه ام زینب ز مادر مهربانتر بر من است

می دهد شبها تسلای دل زارم هنوز

گر چه از بی طاقتی بنشسته می خواند نماز

با چنین احوال می باشد پرستارم هنوز

این شنیدم تشنه لب رفتی سفر بابا ببین

آب دارم بر تو از چشم گهربارم هنوز

۶۶- دل سه ساله ، به پیچ و تابه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک شور کف زنی

قالب آهنگین

شاعر شریف علی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل سه ساله ، به پیچ و تابه

خوش اومدی ای ، مسافر من ، در این خرابه

ای مهربونم ، آروم جونم

مرحمتی به من بخاطر خدا کن

چشاتو واکن ، به من نیگا کن

یه بار دیگه منو رقیه جان صدا کن

تو که سفر بودی امیدم ، هر شب خواب تو رو می دیدم

زنجیر به دست و پام نداشتم ، سر رو دوش عمو می ذاشتم

*****

دورت بگردم ، ای نور دیده

از دختر تو ، این درد پهلو ، امون بریده

دل پر ز آهه ، چشام سیاهه

دستام برا شونه ی موهات جون نداره

ماه شب من ، تشنه لب من

قرآن بخون رقیه خیزرون نداره

هنور دلم در التهابه ، به یاد مجلس شرابه

بابا بعد یه عمر عزیزی ، خواستن منو برا کنیزی

*****

۶۷- دل من دوباره امشب هوس میخونه کرده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل من دوباره امشب هوس میخونه کرده

مستی از سرش پریده هوس پیمونه کرده

به دلم میگم مخور غم که ما هم خدایی داریم

توی این خلوت غربت یار دلربائی داریم

یار ما عزیز زهراست دلبر تموم دلهاست

گر چه او سنی نداره اما قلبش مث دریاست

یار دریا دل ماها با وفا و مهربونه

کسی رو از در خونش دست خالی نمی رونه

بیا تا با هم بخونیم یا رقیه اِفتح الباب

رو دلامون بنویسیم یا رقیه افتح الباب

می دونی اگه رقیه بگشاید در رحمت

دیگه ما غمی نداریم سر تا پا شمیم جنت

می دونم شب تولد گریه خوبیت نداره

اما گریه کن رقیه یه محل بمون بذاره

قطره قطره اشکا می گه یاد هر عاشقی باشه

شمعای کیک تولد بیشتر از سه تا نباشه

نمی خوام گریه نمائی اما هر دلی می دونه

عمر حضرت رقیه مث یه غنچه می مونه

می دونم تو هم می دونی که دل حسینو برده
توی این عمر کوتاهش با دل حسین چکرده
برا هر جشن تولد رسمه که کادو بذارند
کاشکی که برا رقیه عروسک هدیه بیارند
تا که بچه های شامی هم بزرگ و ریز و کوچک
دل حضرت رقیه نسوزونند با عروسک
می دونم عمه ی سادات گل سر براش میاره
اونقده اشک می ریزه تا گل و رو سرش بزاره
میدونم چرا عمو جون به بی بی علاقه داره
چونکه چهره ی رقیه نمک فاطمه داره
از حالا برا رقیه یکی یک چادر بدوزه
که تو کربلا بی بی مون بدون چادر نمونه
یکی گوشواره بیاره که توی گوشش بذاره
بخدا رقیه خاتون تاب درد و غم نداره
آخر جشن تولد شمعا رو باید خاموش کرد
آرزوهای بلنده حضرت بی بی رو گوش کرد
اما لبهای رقیه خشکه و توون نداره
وقت فوت کردن شمعا رو لبش باغ بهاره
دل ما مال رقیه است بخدا پس نمی گیریم
بذار راحتت کنم من ، بی رقیه ما می میریم

۶۸- بشنو ای جانانم ای رأس بر دامانم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بشنو ای جانانم ، ای رأس بر دامانم

ز غصّه هایم ، برایت ای گل ، سخن بگویم

دلم گرفته ، اجازه فرما ، سرت ببویم

دیگر دل بریدم ز عالم

دعا کن بگیرد حق جانم

چون از زمونه ، و کینه هایش ، خسته ام

چشمم به روی ، این زندگانی ، بسته ام

*****

یک شب به اشک و ناله ، افتاده ام ز ناقه

برای یاری ، چرا پیم عم ، مه ام نیامد

ز درد پهلو ، نفس به سینه ، بالا نیامد

با گریه دنبالش دویدم ، به سختی خود را می کشیدم

شب بود و سوز و ، درد و عذاب ، تنهایی

ناگه کنارم ، آمد یه ماه ، نورانی

*****

سر بر زانوش نهادم ، به غصّه هاش دل دادم

آمد کنارم ، ناگه پلیدی ، وحشیانه

می زد به رویم ، با مشت و گاهی ، با تازیانه

با ترس هر طرف دویدم ، خار از پای خود می کشیدم

دیگر چه گویم ، بابا برایت ، از آن شب

آنقدر بگویم ، آمد بفریا ، دم زینب

*****

۶۹– تو باغبانی من نیلوفرت هستم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو باغبانی من نیلوفرت هستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

ای بهتر از جان من ، هستی تو مهمان من ، بنشین به دامان من

بابا حسین جانم(۲)

*****

من شاهد چشم از خون ترت هستم

من دخترت هستم من دخترت هستم

ای شام من را سحر ، رویت چو قرص قمر ، با خود تو من را ببر

بابا حسین جانم(۲)

*****

تو دلربا هستی من دل بتو بستم

امشب من از عطر گیسوی تو مستم

ای ماه خاکستری ، ناز مرا می خری ، امشب مرا می بری

بابا حسین جانم(۲)

*****

سربسته می گویم چشمم شده دستم

باور ندارم من پیش تو بنشستم

قربان چشم ترت ، گو پاسخ دخترت ، از چه شکسته سرت

بابا حسین جانم(۲)

*****

چشمت بود چون شفق ، دیگر ندارم رمق ، آیم به سوی طبق

بابا حسین جانم(۲)

*****

۷۰- من پاک سلاله ی حسینم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من پاک سلاله ی حسینم

زهرای سه ساله ی حسینم

گنجی به دل خرابه ی شام

در شام شدم سفیر اسلام

من زینب دیگر حسینم

من سوره ی کوثر حسینم

روح شرف و قیام دارم

یک کرببلا پیام دارم

نور شهداست هاله ی من

شمشیر خداست ناله ی من

احیاگر عشق و شور و حالم

قرآن حسین خط و خالم

عشق آمده سرفراز از من

عباس کشیده ناز از من

گردونه ی صبر پای بستم

گلبوسه ی حور روی دستم

از وادی کربلا خروجم

تا شام بلا چهل عروجم

ماه رخ من که بی قرینه است

خورشید گرفته ی مدینه است

هر چند که دختر حسینم

آئینه ی مادر حسینم

بگذاشته بر تنم نشانه

کعب نی و سنگ و تازیانه

صد کوه بلا به دوش بردم

خم گشتم و سرفراز مردم

عالم همه کربلای من بود

زینب سپر بلای من بود

نفرین هماره باد بر شام

وا... مرا زدند در شام

کردند ز غم کباب ما را

بستند به یک طناب ما را

با آنکه عزیز بوترابم

بردند به مجلس شرابم

آنشب که پدر به خوابم آمد

خورشید سحر به خوابم آمد

لب تشنه به خواب آب دیدم

گمگشته ی خود به خواب دیدم

من حنجر پاره پاره دیدم

در دامن خود ستاره دیدم

با گریه عقیق سرخ سفتم

حرف دل خود به دوست گفتم

بگذار سرت به بر بگیرم

یک بوسه بگیرم و بمیرم

یک بوسه گرفت و داد هستش

افتاد سر پدر ز دستش

یک بوسه گرفت و گفت بدرود

این رمز کمال و عاشقی بود

۷۱- در بزم ما آمدی تو با رأس از تن بریده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در بزم ما آمدی تو با رأس از تن بریده

بابا ببین مثل زهرا قد رقیه خمیده

من مانده ام بی تو تنها ، بابا حسین یابن الزهرا(۲)

*****

بر صورت کوچک من از ضرب سیلی نشانه است

دستم به دیوار و پایم مجروح از تازیانه است

بابا نبودی ببینی موی مرا می کشیدند

با سنگ و با تازیانه ناز مرا می خریدند

*****

مثل اسیران رومی شام بلا آمدم من

تا نزد رأس تو بابا با درد پا آمدم من

جای عجب دارد ای گل امشب که مهمان مایی

خوش آمدی یابن زهرا چه مجلس با صفایی

*****

۷۲– عاشقا بیاید با هم دعا کنیم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عاشقا بیاید با هم دعا کنیم

دلا رو راهی کربلا کنیم

تو حرم پای ضریحش بشینیم

روضه ی رقیه رو بر پا کنیم

آفتاب از کدوم طرف در اومده

که بابا دیدن دختر اومده

عمه جون اونی که رفته بود سفر

حالا بر گشته و با سر اومده

گوشه ی خرابه مهمونی شده

عمه جون چشم تو بارونی شده

تا نمردم یه نفر جواب بده

لب مهمونم چرا خونی شده؟

۷۳- تا میگم بی بی رقیه وجودم می شه پر احساس

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تا میگم بی بی رقیه وجودم می شه پر احساس

یاد کربلا می افتم یاد تشنگی و عباس

تا میگم بی بی رقیه دل من هوایی می شه

نه فقط کربلایی دل من خدایی میشه

تا میگم بی بی رقیه میاد عطر همه گلها

خنده هاش خیلی قشنگه شبیه حضرت زهرا

تا یکی میاد از اونجا می خوام از غصه بمیرم

به دلم میگم غمی نیست از بی بی ویزا می گیرم

۷۴- یاد داری مدینه موقع خواب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یاد داری مدینه موقع خواب

دست تو بود بالش سر من

هر زمانت صدا زدم گفتی

جان من ناز دانه دختر من

*****

یاد داری تو روی نی بودی

منهم از پشت ناقه افتادم

گریه کردی برای من من هم

به تو از دور بوسه می دادم

*****

بعد تو عمه ام پدر جان زد

گره محکمی به معجر من

علتش را سوال کردم گفت

دشمنت بی حیاست دختر من

*****

آخرین لحظه ای که می رفتی

سایه ات پا کشید از سر من

با همه غیر من وداع کردی

تو نگفتی کجاست دختر من!

*****

۷۵– بی بی رقیه امیرم ، من به عشقت اسیرم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بی بی رقیه امیرم ، من به عشقت اسیرم

بگی بمیر می میرم ۲

*****

با رقیه دل من خدایی می شه

دل من عاشق و کربلایی می شه

حرم قشنگ تو منای عشقه

قبله و کعبه ی من رو به دمشقه

شما شاه عالمی منم فقیرم

اینقده میگم رقیه تا بمیرم

از جهنم خدا ترسی ندارم

اسمتو بی بی روی صراط میارم

۷۶- دست و پا گیر شدم بیش از اینم نزنید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دست و پا گیر شدم بیش از اینم نزنید

من که خود رفتنیم این چنینم نزنید

من که تسلیم شدم از چه امانم ندهید

دیگر از پُشته ی هر بوته کمینم نزنید

گیسو و مشت گرده کرده ، گره خورده بهم

مشت سنگی به سر و روی جبینم نزنید

پیرهن پاره ام و اشک یتیمی دارم

نیشخند این همه بر صوت حزینم نزنید

دور از چشم غضبناک عمویم عباس

با غضب اینهمه محکم به زمینم نزنید

۷۷- بی تو دوباره دلم گرفته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بی تو دوباره دلم گرفته

تو این خرابه میون این خاک غم گرفته

دختری تنها که بیقراره

همه میگن یتیمه و بابا نداره

نیستی عزیزم اشک می ریزم

خرابه ام با گریه های من بیداره

عمه میگه که بر می گرده

بابات فراموشت نکرده

عمه میگه میای دوباره

ولی دلم باور نداره

*****

دیشب نبودی خرابه شام

دلم گرفت و گفتم به عمه کوشن داداشام

یه آدم بد اومد منو زد

۷۸- من رقیه دختر سالار دینم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من رقیه دختر سالار دینم

غنچه ی باغ امام سومینم

ماهتابم چشمه سارم نوبهارم

کوکبم نورم شهابم مه جبینم

جان مادر نور چشم زینبم من

میوه ی قلب امیرالمؤمنینم

خوش زبانم شکرم شیرین کلامم

دلنوازم مهربانم نازنینم

گوهر رخشنده ام پاکم نجیبم

لاله ام یاسم عبیرم یاسمینم

نوگل بستان زهرا مهر و ماهم

گلعذارم زیور گلزار دینم

بوی عطرم چلچراغم شوق و شورم

سنبلم ریحانه ام درّ ثمینم

من کبیرم گر چه در ظاهر صغیرم

کعبه ام من قبله ی اهل یقینم

کوچکم کوچک ولی دریای رحمت

یاور مسکین رنجور غمینم

اسوه ی حجب و حیایم کوه صبرم

چشمه ی فیض خداوند مبینم

اختر تابنده ی برج ولایت

حلقه ی بزم حسینی را نگینم

من سه ساله دختر تنهای تنها

گوشه ی ویران سرا خلوت نشینم

طاقت هجران بابا را ندارم

کاش می شد لحظه ای او را ببینم

در کنار رأس بابا می دهم جان

غم فزا باشد ، وداع آخرینم

۷۹- تو دل و دلدار عالمینی ، بی بی دلها ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبك نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو دل و دلدار عالمینی ، بی بی دلها نور دو عینی

دلبر باب الحوائج استی ، دختر ارباب من حسینی

عاشقی دردیه درمون نداره

هر کسی مثل تو داره بیاره

زندگی بی تو : عذابه عذابه عذابه

بی بی دعام کن : ثوابه ثوابه ثوابه

خوش آمدی عشق اربابم(۳)

*****

اومدن از آسمون ملائک ، واسه طواف صورت ماهت

می خونن آهنگ شور و شادی ، دسته به دسته بر سر راهت

گل بریزید با نور ستاره

که حسین بابا شده دوباره

چیکار کنم بی : قرارم قرارم قرارم

مستم و آروم : ندارم ندارم ندارم

خوش آمدی عشق اربابم(۳)

*****

تو نگار فاطمی سرشتی ، گل گلواژه ی باغ بهشتی

هنوز توی این دنیا نبودم ، که منو یک دیوونه نوشتی

دختر ناز آقام حسینی

تو عصای دست زینبینی

عمو عباست کشته ی نازت

تا می کنی سر چادر نمازت

هر چی که دارم از کرم توست

شفای دردم تو حرم توست

حاجتم و تا : نگیرم نگیرم نگیرم

از درخونت : نمی رم نمی رم نمی رم

خوش آمدی عشق اربابم(۳)

*****

از کوچیکیم تو ماه محرم ، توی خونه ذکر روضه داریم

مادرم نذر کرده آخه هر سال ، سفره ی حضرت رقیه داریم

خدا می دونه که شیرین زبونه

عمه کوچولوی صاحب زمونه

ورد لب من لعن امیه است

دل دیوونم دست رقیه است

خدا رو قلبم: نوشته نوشته نوشته

زندگی با تو: بهشته بهشته بهشته

خوش آمدی عشق اربابم(۳)

*****

۸۰- اینجا محیط سوز و اشک و آه و ناله است

مشخصات

مناسبت خرابه شام

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اینجا محیط سوز و اشک و آه و ناله است

اینجا زیارتگاه زهرای سه ساله است

اینجا دمشقیها گلی پژمرده دارند

در زیر گِل مهمان سیلی خورده دارند

اینجا زیارتگاه جبریل امین است

اینجا عبادتگاه زین العابدین است

اینجا ز چشم خود گلاب افشانده زینب

اینجا نماز شب نشسته خوانده زینب

اینجا به خاکش هر وجب دردی نهفته

اینجا سه ساله دختری بی شام خفته

اینجا نخفته چشم بیدار رقیه

اینجا حسین آمد به دیدار رقیه

اینجا قضا بر دفتر هجران ورق زد

اینجا رقیه پرده یکسو از طبق زد

اینجا شرر بر دامن افلاک می ریخت

زینب بر اندام رقیه خاک می ریخت

اینجا دل شب کودکی هجران کشیده

گلبوسه بگرفته ز رگهای بریده

۸۱- من رقیه ام شده تنم سیه ز کین

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من رقیه ام شده تنم سیه ز کین

ای پدر بیا به شام غم مرا ببین

سه ساله ای یتیمه ام ، بخون نشسته دیده ام

حسین من حسین من

من رقیه ام (۳) بابا

*****

پر ز آبله دو پای من ز خار و خس

خسته ام ز جان پدر به داد من برس

به لب رسیده جان من ، بیا ببین فغان من

حسین من حسین من

من رقیه ام (۳) بابا

*****

آمده دگر مسافرم از این سفر

عمه جان نگر به دامنم سر پدر

قسم به خون حنجرت ، مرا ببر به همرهت

حسین من حسین من

من رقیه ام(۳) بابا

*****

۸۲- به گوشه ی خرابه انگاری جون گرفته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا ابتاه اُنظُر الی أنا الرقیه(۳)

*****

به گوشه ی خرابه انگاری جون گرفته

میون اشک و آتیش بازم زبون گرفته

همیشه جون دختر بسته به جون باباست

عمه دارم می میرم نمی گی بابام کجاست

وقتی بیاد از سفر میگم چیا کشیدی

میون کوچه بازار چه چیزائی ندیدی

بهش میگم که شامی چشاش چقدر بی حیاست

عموی با غیرتم خبر نداری کجاست

بابا دیگه بسمه هر چی بلا کشیدم

کاشکی می شد یه بارم روی تو رو می دیدم

بهش می گم که بابا خیمه ها رو سوزوندن

ما ها رو پا برهنه رو خارا می دووندن

شامیا کف می زنن میگن اسیر آوردن

یه عده خارجی رو پیش امیر آوردن

۸۳– رقیه (۲) مهر و هم مهتاب منه

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رقیه (۲) مهر و هم مهتاب منه

رقیه (۲) دختر ارباب منه

*****

رقیه (۲) بخدا جانان منه

رقیه (۲) دختر سلطان منه

*****

چو زهرا مادرش بی مثل و همتاست

قدم چون می زند گویی که زهراست

یگانه قبله گاه می پرستان

رقیه رهبر زینب پرستان

دلی دارم که مجنون رقیه است

نفس در سینه مدیون رقیه است

تمام زندگیم وقف رقیه است

همه حرف دلم حرف رقیه است

دلم مست می جام رقیه

به قلبم حک شده نام رقیه

همه هستی من هست رقیه است

خم مستی من دست رقیه است

مرا با یک نگاهش مست کرده

به عشق خود مرا پا بست کرده

۸۴- گفت شهزاده علی اکبر شبی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گفت شهزاده علی اکبر شبی

با رقیه از محبت مطلبی

کای جهانی بسته ی فتراک تو

نه فلک سرگشته ی ادراک تو

جلوه ی زهرائیت دیوانه کرد

عالمی را تا ابد پروانه کرد

مستحقم من نیاز من تویی

قبله گاه من نماز من تویی

لیک دارم گفتگویی از ادب

با تو ای نوباوه ی فخر عرب

هیچ می دانی رقیه من کیم؟

در شمایل چون رسول مکیم

از برای مصطفی اندر زمن

اشبه الناسی نیامد همچو من

در جمال و در کمال و در جلال

نیست مانند من ای نیکو خصال

با چنین اوصاف و احوال جمیل

تا ابد نآید چون من ای بی بدیل

با لب چون غنچه ات بنما عیان

حال خود را با من ای شیرین زبان

در جواب او رقیه از وفا

گفت کای شهزاده ی نیکو لقا

ما کجا و حال خود گفتن کجا
نیست ما را جز حقیقت مدعا
خوب می دانی که زهرا منظرم
هم حسین بن علی را دخترم
پرتو آفاق از نور من است
جلوه ات از آتش طور من است
بوی زهرا از من آید بر مشام
زنده گردد عالم از بویم مدام
سرّ این مطلب بیان سازم از آن
تا بدانی کز کجا دارم نشان
گر نبودی فاطمه عالم نبود
نامی از نسل بنی آدم نبود
فاطمه انوار اِشراق جلی است
کفو او درعالم هستی علی است
کنز مخفی خود وجود فاطمه است
هستیِ هستی ز بود فاطمه است
فاش گویم این سخن بی واهمه
نیست چون من کس شبیه فاطمه
من همان زهرای نیکو منظرم
بحر عصمت را یگانه گوهرم
هان مشو غرّه به حُسن خویشتن
حُسن تو یک جلوه ای باشد ز من
ناگهان آمد ندایی از سماء
کای عزیز فاطمه روحی فداه
لحظه ای اکبر اگر غافل شود
در حقیقت آطل و باطل شود
گر بگیرم لحظه ای از او نظر
میشود زین حسن و زیبایی بدر
گفت با اکبر شهنشاه زمن
قره العینا مه تابان من
او به حق ام ابیهای من است
تالی زهرای والای من است
او نه بل ام ابی ام الّه است

همچو خون من بحق ثار الّه است

او یگانه یادگار فاطمه است

یادگار غمگسار فاطمه است

شرح جانسوز اسارت رفتنش

در خرابه ذکر بابا گفتنش

ماجرای جانگدازش تا ابد

خلق عالم را بسوزاند ز حد

او سرم بیند به روی نیزه ها

نیمه شب افتد زمین از ناقه ها

خصم سیلی بر گل رویش زند

نانجیبی چنگ بر مویش زند

عاقبت اندر خرابه دخترم

دست بر پهلو شود چون مادرم

کین چنین ظلمی در عالم کس ندید

ای دو صد لعنت بر افعال یزید

لعنت حق بر یزید و آل او

تا ابد بر نسل و بر امثال او

۸۵- دل به غم داده و بی دل شده ام

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل به غم داده و بی دل شده ام

به رقیه متوسل شده ام

او که خود سیده السادات است

درگهش قبله گه حاجات است

او مفاتیح الجنان همه است
نازنین پسر فاطمه است
همه ی عشق در او جمع شده است
همه پروانه و او شمع شده است
سفره ی آل عبا را نمک است
قبله ی سجده ی حور و ملک است
عشق و زیبایی و احساس است او
زینب و اکبر و عباس است او

۸۶- هرگز روا نبود چهل منزل ای پدر

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک ولادتی
قالب تک بیتی ها
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

هرگز روا نبود چهل منزل ای پدر
یک طفل با سر پدرش همسفر شود
*****
عمه جان عمه جان این سر پر خون سر باب من است (دسته ی ۱)
عمه جان عمه جان پس به کجا پیکر باب من است (دسته ی ۲)
*****
منکه در هاون تقدیر و قضا سوده شدم
روی قبرم بنویسید که آسوده شدم
*****
ز آل ا... طفلی در خرابه است
مگر این شهر قبرستان ندارد
*****
این روزها رقیه ی تو رو به قبله بود

ممنونم ای پدر که مرا در بر آمدی

*****

یک عده گرگ حمله به یک جوجه می کنند

آن نیز جوجه ایکه به داغش نشانده اند

*****

چنان ضعیف شدم ای پدر که بر جسمم

فتاده سایه ی دیوار و سخت سنگین است

*****

به مرگ خویش رقیه نوشت در تاریخ

که بوسه ی لب بابا گران ترین کالاست

*****

یادش بخیر آن روزهای در مدینه

دو گوشواره داشتم حالا ندارم

*****

نوبت ما که شد از حرف فرو می مانی

دختر تو چه کم از راهب نصرانی داشت

*****

۸۷- پا میذارم روی دنیا من به سودای رقیه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پا میذارم روی دنیا من به سودای رقیه

جا می گیرم توی جنت به یه امضای رقیه

از در خونه ی اون ، دیگه هیچ جا نمی رم

حاجتامو فقط از ، این سه ساله می گیرم

*****

حرمش کوچیکه اما قبلگاه اهل عشقه

حتی کربلا یه وقتا زائر شهر دمشقه

شاه عاشقا حسین ، میره پیش دخترش

شب میلادی او ، گل می ریزه رو سرش

*****

۸۸- بیایید تشییع جنازه ی یک بدنه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیایید تشییع جنازه ی یک بدنه

بیایید بدن رقیه ام بی کفنه

*****

زن غساله کجا غسل دادن لاله کجا

کبودی روی تن بچه سه چار ساله کجا

*****

چشم بر ابرو رو ببین زینب و اون صبر و ببین

دست خالی تو خرابه کندن قبر و ببین

*****

زنا شیون می کنن بچه ها سینه می زنن

ملائکه روضه خون یک بدن بی کفنن

*****

خرابه غوغا شده یک تنه کربلا شده

قد زینب توی تشییع جنازه تا شده

*****

خون شده قلب رباب می ریزه اون رو قبرش آب

هی میگه دخترکم برو دیگه راحت بخواب

*****

۸۹- مست می میخونه ی رقیه

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سه ساله ی ارباب

بخدا عشقمه ، بخدا دینمه

بخدا همه ی آئین منه

*****

مست می میخونه ی رقیه

دیوونه ام دیوونه ی رقیه

منکه به عشق بی بی ام اسیرم

دلم می خواد تو حرمش بمیرم

سینه ی من ز هجر تو کویره

هر کی که دوستت نداره بمیره

ملیکه ی سینه ی من تو هستی

به گردنم قلاده رو تو بستی

تو صاحب و ملیکه ی بهشتی

نام حسین و رو دلم نوشتی

می خوام بشم امشبه رو خدایی

با مدد رقیه کربلایی

سینه ای چون وسعت دریا داری

چهره ای چون حضرت زهرا داری

۹۰- مرا دردی است اما نای گفتن را ندارد لب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرا دردی است اما نای گفتن را ندارد لب

غمم را هیچکس آگه نمی باشد بجز زینب

به یادت هست گفتی گوشه ی ویرانه می آیی

بجز قلبم مگر ویرانتر از اینجا بود جایی

بیا چشم انتظارم ای فروغ چشم کم سویم

بیا تا راز کم سو گشتن چشمان خود گویم

سرت بر نیزه بود ای شاه من مات رخت بودم

مرا با دیده می خواندی و فکر پاسخت بودم

تماشای تو می کردم که دشمن خیره شد بر من

چنان سیلی به رویم زد که گردون تیره شد بر من

اگر چه هر کجا نام ترا بردم کتک خوردم

نترسیدم ز سیلی خوردن و نام ترا بردم

اجل هم بارها آمد که گیرد جان بر لب را

خجل گشتم ز بی جانی و دادم وعده امشب را

بیا تا جان بگیرم از تو تقدیم اجل سازم

سرافرازم نما امشب که در پایت سر اندازم

۹۱- ای گل خوش رنگ و بوی باغ عشق

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای گل خوش رنگ و بوی باغ عشق

بر دل زار تو مانده داغ عشق

بسکه ماتم دیده ای پژمرده ای

از عدو هر روز سیلی خورده ای

هر شب از هجران بابا سوختی

چشم بر درب خرابه دوختی

از غمت خون قلب سنگ خاره بود

داشتی چادر ولیکن پاره بود

ماه رخسارت همیشه تار بود

زندگی از بهر تو دشوار بود

پیکرت مانند شمعی آب شد

عمه از داغ غمت بی تاب شد

باغ رخسارت گل نیلی نداشت

صورت تو طاقت سیلی نداشت

عشق هم گویا اسارت رفته بود

گوشوار تو به غارت رفته بود

همچنان زهرای بانوی فدک

می نمودی عمه را هر شب کمک

تا بخوانی تو نماز خویش را

سر کنی راز و نیاز خویش را

عمه با داغ دلت خو می گرفت

زیر بازوی ترا او می گرفت

۹۲- نمک سفره ی حسین فقط رقیه است و بس

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نمک سفره ی حسین فقط رقیه است و بس

بانوی عشق عالمین فقط رقیه است و بس

*****

وقار و عصمت نخی از پوشیّه ی رقیه است

کنج خرابه حوزه ی علمیه ی رقیه است

*****

رساله ی عشق و جنون با قلم رقیه است

شفای درد عالمی در حرم رقیه است

*****

از آتیش ترسی ندارم نه اسیر نه بیقرارم

زیر لبم میگم رقیه رو صراط پا می گذارم

من رقیه مذهبم خدا میدونه آره و ا... آره و ا...

ذکر بی بی بر لبم خدا می دونه آره و ا... آره و ا...

تا نفس تو سینه دارم می کنم لعن امیه

بعد مرگم بنویسید روی قبرم یا رقیه

۹۳– زینب کبری کند صادر جواز کربلا

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

زینب کبری کند صادر جواز کربلا

این مجوز را خودش نوبت به نوبت می دهد

هر که خواهد زود گیرد این مجوز بشنود

او به عشاق رقیه اولویت می دهد

۹۴- دل آسمان میل دارد بگرید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دل آسمان میل دارد بگرید

خرابه نشینی ما گریه دارد

سر انگشت مشکل گشایم ضعیف است

که خار از کف پای من در بیارد

بیا تا تماشاچیانم نگویند

که این طفل آواره بابا ندارد

الا خیزران خورده ی مجلس طشت

غم تو گلوی مرا می فشارد

عجب روزگار عجیب و غریبی است

یهودی مرا خارجی می شمارد

۹۵- امشب از عشق رقیه به دمشق پر می زنه دل

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب از عشق رقیه به دمشق پر می زنه دل

گِرد گنبد قشنگش تا سحر پر می زنه دل

هم قرار سینه و هم تب و تاب منه

بدونید فرشته ها بنت الارباب منه

*****

بسکه زیباست روی ماه این نگار نو رسیده

نه فقط رنگ رخ ماه رنگ خورشید هم پریده

دل ز دنیا می بره توی آغوش حسین

نمیدونم خوابه یا شده مدهوش حسین

*****

از در میکده ی عشق بر نمی دارم سر امشب

بده ساقی می باقی که بنوشم من لبالب

دختر پادشه کل هستی اومده

میگساران موسم می پرستی اومده

*****

امشب عشقم کشیده سری به میخونه زنم

آتش عشق تو رو بر دل دیوونه زنم

ندیدی نمیدونی دیدم و دیوونه شدم

*****

۹۶- خوش آمدی در ویرانه ام ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع زمزمه حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خوش آمدی در ویرانه ام ، تو شمعی و من پروانه ام

ای میهمانم ، بهتر ز جانم ، بیا و بنشین به دامنم

*****

من دخترم نازم را بخر ، امشب مرا با خودت ببر

ماه منیرم ، من طفل پیرم ، از دامن تو جدا منم

*****

از بسکه خوردم من تازیانه نباشدم در زانو رمق

منعم مکن گر در این دل شب نشسته آیم سوی طبق

بگو گناهت مگر چه بود ، چرا شده لبهایت کبود

مگر پدر جان ، خواندی تو قرآن ، پاسخ بگو بر سئوال من

*****

به من بگو پیکرت کجاست ، انگشت و انگشترت کجاست

در پیچ و تابم ، بگو جوابم ، ای ماه ابرو هلال من

*****

ببین پدر جان مانند پیران نمانده بر پیکرم توان

سر بریده ، بگو که دیده سه ساله طفلی شود کمان

می میرم امشب ای هست من ، شد عمه راحت از دست من

در ناله هستم ، سه ساله هستم ، بسوزم همچون شمع سحر

*****

رسیده صبح من را وصال ، ای عمه جان کن مرا حلال

ای همنوایم ، بودی عصایم ، خدا نگهدار ای همسفر

۹۷– ز آسمان گل شادی دوباره می بارد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رقیه بنت الارباب(۴)

*****

ز آسمان گل شادی دوباره می بارد

بپای مقدم جانان ستاره می بارد

جهان جهان بده مژده که یار می آید

سپیده زد به دل امشب بهار می آید

به سینه های رمیده قرار می آید

صلا صلا همه عالم نگار می آید

فرشته خاک درش را به دیده می ساید

رسول کوچک ارباب رقیه می آید

برای آل محمد رسیده نور دو عین

مدینه پر شده امشب ز عطر یاس حسین

گلی زدامن عصمت سلاله ی عشق است

عزیزجان حسین و سه ساله ی عشق است

سبو سبو بده ساقی خمار و سر مستم

اسیر باده ی عشق رقیه ات هستم

تموم عالم و هستی فقیر تو گشته

چه کرده ای که ابوالفضل اسیر تو گشته

تا دیده روی عمو رو سرا پا احساسه

همه میگن که رقیه مرید عباسه

سه ساله گفتمش اما اسیر عشق است این

شبیه عمه ی سادات شه دمشق است این

دمشق گفتم و دل باز هوای گریه گرفت

دل رمیده به یاد رقیه گرفت

دمشق بود و خرابه به کنج تنهایی

سه ساله دختر پیری شده تماشایی

دمشق بود و رد خون به تار هر گیسو

قدی خمیده و دستی گرفته بر پهلو

حسین رفت و چه مانده از آن تن و بدنش

به روی نیزه سر او به سینه پیرهنش

۹۸- دست من در بند زنجیر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دست من در بند زنجیر

دست ان کودک به دستان پدر بود

بر سر ما برق شمشیر

چون عموی پهلوانم در سفر (روی نی) بود

*****

بالش من سنگ ویران

خوابگاه دختران آغوش بابا

یاد باد آن روزگاران یاد باد

می نهادم سر به روی دوش بابا

*****

۹۹- در آسمان چشمم هر شب ستاره دارم

مشخصات

مناسبت قبل از شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

در آسمان چشمم هر شب ستاره دارم

اشکی بدیده آهی بر دل هماره دارم

دشمن ز بس پیاپی سیلی بصورتم زد

نه گوش مانده بهرم نه گوشواره دارم

روی مرا چو دیدی یاد مدینه کردی

من هم از این مصیبت داغی دوباره دارم

دانم چرا دو دیده بر روی هم نهادی

دیدی که من لباسی خاکی و پاره دارم

هر شب در خرابه تا صبح گریه کردم

آخر مگر دلی همچون سنگ خاره دارم

۱۰۰- نامسلمونا مگه رسم جوانمردی اینه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نامسلمونا مگه رسم جوانمردی اینه

دختری باید کنار سر بابا بشینه

شامیا اگه شما دل ندارید اما رقیه دل داره

نمی تونه سر بابا رو خاکا ببینه

یه نفر بیاد و سر رو از رقیه بگیره

زینب و خبر کنید رقیه داره می میره

۱۰۱- تو سینه ام دوباره پر شده بوی لاله

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو سینه ام دوباره پر شده بوی لاله

دلم تو دست یک غنچه ی سه ساله

سه ساله ای که عشق دختر پادشاهه

اسمش رقیه هست و نور چشامه

خدا میدونه بنده و سگ رقیه هستم

ز جام لاله ی حسین همیشه مست مستم

یا رقیه مددی مددی مددی بی بی جان (۲)

*****

بمیره هر که خواسته تو رو ازم بگیره

که بی رقیه قلبم ز غم می میره

آخه ز روز اول دلم بپاش اسیره

که بی رقیه عالم دلش می گیره

تا جون دارم بازم می گم همیشه خاک پاشم

تا می تپه دلم می گم که بنده ی نگاشم

یا رقیه مددی مددی مددی بی بی جان (۲)

*****

هر کسی شد حسینی سگ رقیه میشه

که بی رقیه عشق حسین نمی شه

چادرک نمازش قبله ی آسمونه

نور دل حسینه خدا می دونه

ستاره حسینه و تو آسمون هستی

رقیه دختر حسین خدای می پرستی

یا رقیه مددی مددی مددی بی بی جان (۲)

*****

تو آسمون مستی ستاره ی حسینه

واسه عموش ابوالفضل نور دو عینه

با اون نگاه معصوم تو سینه خونه کرده

دل منو با عشقش دیوونه کرده

منم رقیه مست تو ز هست توست هستم

میگم جلی به عالمین سگ رقیه هستم

یا رقیه مددی مددی بی بی جان (۲)

*****

اومدی و با چشمات دلم رو کردی غارت

دیگه برام نمونده یه خواب راحت

منو رسوند به جایی که پیش پات بمیرم

بازم بگم رقیه تا جون بگیرم

سه ساله ی پریّون قدش مث کمونه

کبوده عارض اون خدا میدونه

کی دیده روی لاله نشون تازیونه

رو گونه رد سیلیّ وحشیونه

کاشکی بودم تو کربلا بجات کتک می خوردم

ز غصه ی پاهای آبله ایّ تو می مردم

یا رقیه مددی مددی بی بی جان (۲)

*****

۱۰۲- ای بفدای جان تو جان جهان رقیه جان

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای بفدای جان تو جان جهان رقیه جان

ای به نگاه تو نهان باغ جنان رقیه جان

در دل کوچک تو غم در فوران رقیه جان

ما همه یک تن و تویی روح و روان رقیه جان

*****

تو غنچه ای تو سبزه ای تو یک بهشت لاله ای

تو مهری و ستاره ای تو ماهی و تو هاله ای

تو از قبیله ی سخا تو جود را سلاله ای

در آشیانه ی کرم کبوتر سه ساله ای

*****

لب تو کوثر علی رخ تو ماه فاطمه

سرشته در وجود تو جلال و جاه فاطمه

قسم به ناله های تو به سوز و آه فاطمه

نهان به گوش چشم تو بود نگاه فاطمه

بیاد تو به یاد او کنم فغان رقیه جان

*****

۱۰۳- بنگر ، خرابه شده پُرِ ناله

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بنگر ، خرابه شده پُرِ ناله

یه صدا میاد صدا ناله

گریه می کنه یه سه ساله یه سه ساله یه سه ساله

امشب ، زمین و زمان با ناله

هر شهر و هر کوچه و خانه

گریه می کنه با سه ساله با سه ساله با سه ساله

بابا ، بیا ، دستی بکش رویم

بیا ، ببین ، سپید شده مویم

یا ابتاه ، چه کسی یتیم کرد؟(۳)

*****

بابا ، دنیا بی تو تاریک و سرده

تموم تنم پُرِ درده

میگن بابات بر نمی گرده نمی گرده نمی گرده

بابا ، مردم کوفه چقدر پستند

دستای سه سالتو بستند

پهلوم و بابا بشکستند بشکستند بشکستند

به زانو ، هام ، دیگه توونی نیست

طفلی ، چون من ، قدش کمونی نیست

یا ابتاه ، چی کسی یتیمم کرد؟(۳)

*****

شوری ، شده تو خرابه بر پا

به گریه و ناله و آوا

طفلی می گرده پی بابا پی بابا پی بابا

بنگر ، خرابه ی شام شده غوغا

توی طبقی سر مولا

همه گرفتند شور زهرا شور زهرا شور زهرا

عمه ، بیا ، مسافرم آمد

بابا ، ی من ، با پای سر آمد

یا ابتاه ، چی کسی یتیمم کرد؟(۳)

*****

با تو ، دل آسمون می لرزه

دل کهکشون می لرزه

دنیا بی شما نمی ارزه نمی ارزه نمی ارزه

حاتم ، پیش کرم شما خاره

جبرئیل پیشت کم میاره

بابا رو پاهات سر میذاره سر میذاره سر میذاره

بی بی ، ببین ، غلام تو هستم

جون ، عموت ، رها نکن دستم

یا ابتاه ، چی کسی یتیمم کرد؟(۳)

*****

۱۰۴– ساقی صلای عام به نام رقیه کن

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ساقی صلای عام به نام رقیه کن

ما را خراب باده ی جام رقیه کن

آتش بریز در قدح لاله بی درنگ

و آنگه روان به جانب شام رقیه کن

سعی و صفا و مروه و خیف و منای را

یکجا فدای رکن و مقام رقیه کن

یا فاطمه به جان حسینت ز مرحمت

ما را به روز حشر غلام رقیه کن

۱۰۵– دختر شاه مدینه ، کنج ویروونه نشسته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دختر شاه مدینه

کنج ویروونه نشسته

مثل بانوی مدینه

با لگد پهلوش شکسته

رمقی به تن نداره

شده از زندگی خسته

*****

صورتش خونی و خاکی

تنش از جفا سیاهه

سر گذاشته روی دیوار

گمونم که چشم براهه

*****

نمی دونم طفل خسته

چه مصیبتها کشیده

رنگ به صورتش نداره

قد و قامتش خمیده

*****

بانویی پیشش نشسته

بی شکیب و بیقراره

داره آهسته و آروم

از پاهاش خار در میاره

*****

صداش از گریه گرفته

چشماش تار و بی فروزه

با اشاره میگه عمه

کف پام خیلی می سوزه

*****

بگو عمه بگو عمه

چرا بابا رو زمینه

دستم و بذار تو دستش

چشمام تاره نمی بینه

*****

باخودت ببر از اینجا

دخترت طاقت نداره

می ترسم اگه بمونم

بکشن موم و دوباره

*****

۱۰۶- گر شود امشب صفایی می کنم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه زمزمه ای

قالب مثنوی

شاعر امیر حسینی امیر حسین

منبع برگ سبز

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گر شود امشب صفایی می کنم

واژه هایم را خدایی می کنم

ای قلم در دست من امداد کن

سینه ام تنگ آمده فریاد کن

ای قلم در دست من اعجاز کن

سفره ی درد دلم را باز کن

یاد بوذر فکر سلمانی مکن

گبر شو دیگر مسلمانی مکن

این خوارج مهر ذلت می زنند

با نماز و روزه گولت می زنند

میهمان جهل و ننگت می کنند

با سجود و ذکر رنگت می کنند

این سیه کاران پی بی دردی اند

در پی خوانخواری و نامردی اند

اینقدر ناپختگی ، خامی مکن

فکر رسوائی و بدنامی مکن

اینقدر در سایه ی غفلت مباش

زیر بار منت و ذلت مباش

شعله شو فریاد شو بیداد شو

بال بگشا از قفس آزاد شو

اهل سوز و رنج و اهل درد باش

لااقل یک ساعتی را مرد باش

آشکارا شد چو از هم نیک و زشت
بعد از این دیگر قلم خود می نوشت
بارالها خوان خود را باز کن
با عزیزانت مرا دمساز کن
با نگاهت بی ریا و ساده کن
گردنم زنجیر کن قلاده کن
جای خاموشی تو فریادم بده
راه و رسم عاشقی یادم بده
ناگهان پروردگار خوب و زشت
روی برگ کاغذ دل می نوشت
دوست داری مست و مجنونت کنم
تا ابد بر خویش مدیونت کنم
با می ام پر شور و شینت می کنم
مست فرزند حسینت می کنم
با بلا و غم قرینت می کنم
با رقیه همنشینت می کنم
دختر گیتی سلامت می کنم
شش دانگم را به نامت می کنم
یا رقیه غرق یاست می کنم
ای سه ساله التماست می کنم
هر کجا رفتم جوابم می کنند
یا که با طعنه خرابم می کنند
بیش از این مگذار تنها تر شوم
در میان خلق رسواتر شوم
چشم مظلومت خرابم کرده است
پای مجروحت کبابم کرده است
سیدم من عمه پیشم رو مگیر
وقت رفتن دست بر پهلو مگیر
هستیم را من فدایت می کنم
شانه هایم را عصایت می کنم
می شود آیا خدائیّم کنی
یا رقیه کربلائیّم کنی
می روم آنجا ثنایت می کنم

پیش بابا من دعایت می کنم

۱۰۷– سحری روشن و عاشق ، سحری غرق شقایق

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب بحر طویل

شاعر ناشناس

منبع شور عاشقی ۱۵

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سحری روشن و عاشق ، سحری غرق شقایق ، سحری چاک گریبان ، به شبی خیره و حیران ، همه آفاق گل افشان و زر افشان و چراغان و غزل خوان ، همه لبریز ز آواز هَزاران

دشت ها غرق ترنّم ، پُرِ گلهای تبسم ، ز می نوش ترین خم ، به ترانه ، به تلاطم

سحری ریخته از بام فلک دامنی از ماه ، به هر راه ، به هر کوچه شبانگاه ، چه نوری است ، چه طوری است ، در این خاک ، چه هنگامه ی شوری است

که در حلقه ی گیسوی ستاره ، زمان لحظه ی احساس ، زمین تکّه ی الماس ، پر از عطر گل یاس ترین یاس

شگفتا از این بزم ، از این فرش ، از این عرش تر از عرش ، اگر هوش رمیده ، وَ گر عقل پریده ، وَ گر دل برمیده ، ز طربخانه ی سینه ، پی دل های دگر تا به مدینه ، به نگین شب رؤیایی هر دیده ی بی خواب ، شب بارش مهتاب ، دَرِ خانه ی ارباب ، چه نوری است ، چه شوری است ، چه طوری است ، در این خانه چه هنگامه ی شوری است

ببین قبله نما را ، که گم کرده خودش را و منا را و صفا را ، وَ ز سر تا به قدم غرق نیاز است و دو دستش که دراز است ، بدین خانه که در هاله ی راز است

در این بزم معطر ، در این مستی یکسر ، چه بی تاب ، چه مجنون ، چه شیدا ، شده لیلا ، شده اکبر

چه مبارک سحری هست و چه فرخنده شبی هست ، همین شب ، که شد از عشق لبالب ، وَ گل خنده شکوفاست به رخساره ی زینب ، و خدا داند از آن چشم تماشایی بیدار ، وز آن قامت سرشار ز دلدار ، وز آن چهره ی یوسف کُش بی تاب ، علمدار ، چه طوفان شده بر پا به دلش ، در دم دیدار ، در این شام بهاری ، نه صبری نه قراری ، پر از لحظه شماری ، چه مشتاق ، چه بی خویش ، قدم می زند و منتظر عطر دل انگیز و دل افروز گل ناز حسین است ، چه شعری است ، چه نوری است ، چه طوری است ، چه هنگامه ی شوری است

چه شد باز ، که در باز شد و لحظه ی اعجاز شد و محشری آغاز شد و دید که در حُله ای از برگ گل یاس ، و پیچیده به قنداقه ای از شهپر جبریل امین ، در آغوش حسین بن علی ، یاس ترین ، ناز ترین جلوه ، که دیده است ، به چشمی که ندیده است به جز روی حسینش

دو چشـمش گل دریاست ، چه شیوا و ثریاست ، دل آراست ، تماشایی و بابایی و تنهاست ، و ناگاه ابوالفضل رو کرد به انبوه فرشته و فرمود ، الاـ بـاغ ملائک ، و ای فوج فرشـته ، دگر ، بر گِرد گـل این گونه مگردیـد و مریزیـد ، از شوق چنین بی دل و سـر مست مرقصـید ، مبـادا که به بـال و پر خود ناز کنیـدش ، که شایـد رخش آزرده شود ، از نفس گرم و پَرِ نرم ، الا باغ ملائک ، و ای فوج فرشـته ، دگر برگ گل این گونه مریزید ، از شوق چنین بی دل و سـرمست مرقصید مبادا که به بال و پر خود ناز کنیدش ، که شاید رخش آزرده شود ، از نفس گرم و پر نرم ، که این گـل بود حسـاس تر از معنی احسـاس ، و آیینه تر از آینه در بوسه ی یک آه ، و ای آه ، از این آینه دوری ، و مبادا که عبوری ، کنی از گرد رخ یاس تر از یاس ، و ای شـبنم شـیرین منشـین ، بر سر گلبرگی از این غنچه ، که ترسم که کبودش کنـد این بار که با توست چنین ، خدایا چه گل است این ، که شـیرینِ دل است این ، در این چهره بگو کیست ، بگو این مَثَلِ کیست ، همه محو ، همه مات ، همه واله و حیران ابوالفضل ، که زینب به نم اشـکی و با سـینه ی پر آه و دلی سخت غمین ، گفت چنین ، بـا پسـر ام بنین ، ای پسـر فـاطمه عبـاس ببین ، دخترک ناز حسـین بن علی نه ، که همان گوهر مفقود و همان بانوی ذیجود ، که می بود حدیث فدک و غصب فدک ، زخم دل حضـرت زهرا و نمک ، همانی که به هر صبح و به هر شام ، فقط صحبت او بود ، همان خانه ، همان شعله ، همان دود ، همان است که باز آمده امروز

۱۰۸- یار سفر کرده ی من از سفر آمده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یار سفر کرده‌ی من از سفر آمده

خرابه را زینت کنم که پدر آمده

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

تو کعبه ای و من نماز آورم سوی تو

با اشک خود شویم غبار از گل روی تو

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

قدم قدم به زخم دل نمکم می زدند

پدر پدر می گفتم و کتکم می زدند

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

جان پدر کبودی صورتم را ببین

شبیه مادرت شدم، قامتم را ببین

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

نفس درون سینه ام شده تاب و تبم

من بوسه گیرم از گلو تو ز لعل لبم

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

چرا عذار لاله گون بَرِ من آورده‌ای

محاسن غرقه به خون بَر من آورده‌ای

خوش آمَدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

ای عمه‌ها و خواهران! دست حق یارتان

رفتم به همراه پدر ، حق نگهدارتان

خوش آمدی ای پدر! مرا به همره ببر

*****

۱۰۹– شام فراقم شد سحر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شام فراقم شد سحر

بابایم آمد از سفر

بر دامن من آرمیده مهمان

بزم تاریکم را کرده او چراغان

آه عمه بنگر سر پر خونش

می بوسم امشب لب گلگونش

وای از درد یتیمی(۲)

*****

بابا چرا دیر آمدی

وقتی شدم پیر آمدی

بابا پوشیدم خرقه ی اسیری

کی می آیی من را در بغل بگیری

آه بابا شبها بر زمین خفتم

زیر لب دور از عمه می گفت

وای از درد یتیمی(۲)

*****

۱۱۰- عمه ببین سوز دل و حال خرابم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمه ببین سوز دل و حال خرابم

دیدم به رؤیا روی پایش گرم خوابم

دیگر نمانده صبر و تابم

دیدم مرا با خنده خواندو

بر روی زانوش نشاندو

دستی کشید از مهربانی بر سر من

گفت ای شبیه مادر من

ای نور چشم خواهر من

می خوابم امشب در کنارت دختر من

عمه بگو بابای من کو(۳)

*****

بابا می آید از سفر کاری کن عمه

می خواهم آماده شوم یاری کن عمه

تو آبرو داری کن عمه

عمه لباسم هست پاره

حتی ندارم گوشواره

چیزی نمانده تا که از غصه بمیرم

بابای من گر امشب آید

از شرم او جان بر لب آید

دستی ندارم تا در آغوشش بگیرم

*****

مهمان رسید و آسمان رنگ شفق شد

من میزبان و دامنم جای طبق شد

افسوس دستم بی رمق شد

من ماندم و یک دست لرزان

چشمی که شد مبهوت و حیران

بر آن سری که روی پایم بستری شد

سر نه بگو یک آسمان زخم

هر گوشه اش حتی دهان زخم

گویا به کنج یک تنور خاکستری شد

*****

۱۱۱- یه دختری رو خاک ویرونه نشسته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یه دختری رو خاک ویرونه نشسته

رفته تو فکر باباشو چشماشو بسته

از آدما خسته شده دلش شکسته

*****

از بسکه گریه کرده او صداش گرفته

دلش برای دیدن باباش گرفته

عمه زیر بازوهاشو یواش گرفته

*****

نه به غذایی لب زده نه بازی کرده

گفته به بچه ها که بابا بر می گرده

فقط می خواد باباش بیاد دورش بگرده

*****

موی سپیدش رو با روسری پوشونده

آستینشو تا روی انگشتاش کشونده

با این کارش هستی زینب رو سوزونده

*****

۱۱۲- بیا بابا که هجرت کرده از جان و جهان سیرم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بیا بابا که هجرت کرده از جان و جهان سیرم

از آن روزی که رفتی از برم با گریه درگیرم

برای دیدنت لحظه شماری می کنم بابا

هر آن چه زود هم آیی به دیدارم بود دیرم

تو ثاراللهی و من خون ثارالله در پیکر
تو وجه الله و من بر وجه خونین تو تصویرم
من از حُسن و ملاحت هم چو زهرا مادرم بودم
ولیکن سوز خورشید و عطش داده است تغییرم
ز جا برخاستن هم از برایم مشکلی باشد
که باور می کند کز درد و غم در کودکی پیرم؟
خدا را عمه جان امشب به فکر کفن و دفنم باش
اگر بابا بیاید یا نیاید من که می میرم

۱۱۳- خیزید و ببینید، یک یاس مطهر

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

خیزید و ببینید ، یک یاس مطهر
بر دوش ملائک ، زهرای سه ساله
مجنون شدگان یار آمد
ریحانه ی دلدار آمد
لاله سوی گلزار آمد
بی بی یا رقیه
ای عشق حسین زهرا ، ای لیلای عمر بابا
محبوب اهل تولا ، بی بی یا رقیه
ارباب یا حسین ارباب یا حسین
عیدی ما یادت نره
*****
دل نیست توی سینه ، غم خونه نشین شد
باز شهر مدینه ، چون عرش برین شد

تو آینه ی احساسی

چون حضرت زهرا یاسی

محبوب عمو عباسی

تو ماه دمشقی

تو محبوب زینبینی ، عمر و هستی حسینی

نور چشم عالمینی ، بی بی یا رقیه

ارباب یا حسین ارباب یا حسین

عیدی ما یادت نره

*****

بر سر در جنت ، این جمله نوشته

اونجا که بهشته ، بین الحرمینه

خاکی که از اول ، با دست ملائک

جانم به سرشته ، بین الحرمینه

مستم ز می پیمانه

از غیر توأم بیگانه

منزلگه هر دیوانه

بین الحرمینه

یکسویش شمس دو جهان ، یکسویش مهتاب جنان

عالم شد دیوانه شان ، عباس و حسینه

عباس علی عباس علی

عیدی ما یادت نره

*****

یاران دم مستی است ، از جام ابوالفضل

جوئید توسل ، بر نام ابوالفضل

ای راد یل نام آور

شاگرد کلاس حیدر

بر هر دل مستی دلبر

اربابم ابوالفضل

از شوق کربلایت ، می افتم بخاک پایت

تا جانم شود فدایت ، اربابم ابوالفضل

عباس علی عباس علی

عیدی ما یادت نره

*****

۱۱۴- طایر گلزار وحی! کجاست بال و پرت؟

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

طایر گلزار وحی! کجاست بال و پرت؟

که با سرت سر زدی به نازنین دخترت

ز تندباد خزان شکفته تر می شوی

می شنوم هم چنان بوی گل از حنجرت

به گوشه ی دامنم اگر چه خاکی بُوَد

اذن بده تا غبار بگیرم از منظرت

تو کعبه من زائرت، خرابه ام حائرت

حیف که نتوان کنم طواف دور سرت

ببین اسیرم، پدر! زعمر سیرم، پدر!

مرا به همره ببر به عصمت مادرت

فتح قیامت منم، سفیر شامت منم

تویی حسین شهید، منم پیام آورت

منم که باید کنم گریه برای پدر

تو از چه گشته روان، اشک زچشم تَرَت

خرابه شأن تو نیست، نگویم اینجا بمان

بیا مرا هم ببر مثل علی اصغرت

پیکر رنجور من گرفته بود التیام

اگر بغل می گرفت مرا علی اکبرت

این همه زخمت که هست بر سر و روی و جبین

نیزه و شمشیر و تیر چه کرده با پیکرت

اگر چه «میثم» نبود به دشت کرب و بلا

به نظم جان سوز خود گشته پیام آورت

۱۱۵- دلم اگه مجنونه ، اگه شده دیوونه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع شور عاشقی ۱۵

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دلم اگه مجنونه ، اگه شده دیوونه

برا اینه عشقش تو دلم زده جوونه

مستم و حلقه بگوش بنت الحسینم

عمریه خانه به دوش بنت الحسینم

*****

ترانه ی لبهایی ، شهزاده ی زیبایی

رقیه جون شبیه چیه؟ ، تو خود زهرایی

کوچیکی امّا سرّ بزرگ عالمین

تویی خدایی امّ ابیهای حسین

*****

تویی تویی دردونه ، دسته گل ریحونه

مثل یه ماهی رو دوش عموت روی شونه

با خنده ی تو عموت ابوالفضل می خنده

علیّ اکبر گل سرت رو می بنده

*****

کی مث تو رو داره ، اگه داره بیاره

علی اکبر برات کادو آورده گوشواره

ذکر شب و روز شاه عادل رقیه است

سر بند عموت ابوفاضل رقیه است

*****

۱۱۶- همه همه دل شکسته ایم ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع شور عاشقی ۱۵

تعداد استفاده ۰

متن شعر

همه همه دل شکسته ایم ، بسان مجنون خسته ایم

کنار سفره ی سه ساله دختر حسین فاطمه نشسته ایم

*****

این دل دیوونه ، می گیره بهونه ، تا ابد می خونه ، از خانوم

تا چشاش وا می شه ، به که غوغا می شه ، موج دریا می شه ، نا آروم

*****

سینه ریزش همه الماسه

گُلِ سرش از گل یاسه

نگاهش از توی گهواره

به چشای عموش عباسه

اون که پهلوونه ، ماه آسمونه ، تو گوشش می خونه ، صد آیه

گل عذار منی ، افتخار منی ، ذوالفقار منی ، رقیه

*****

۱۱۷– یک سبد ماه و ستاره ، از تو آسمون می باره

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یک سبد ماه و ستاره ، از تو آسمون می باره

عاشقا مژده که اومد ، اونیکه همتا نداره

شام غصه ها سحر شد ، گلی زیبا جلوه گر شد

نوکرا مژده که ارباب ، یه بار دیگه پدر شد

به شام غصه ها دوباره سر زد سپیده

مژده بدید که میلاد رقیه رسیده

*****

اومده ز پشت ابرا ، مه زیبا و دل آرا

گل بریزید سر راهش ، اومده دوباره زهرا

شده باز دلا بهاری ، اشک شوق تو چشما جاری

کف بزن براش اگر که ، مهرشو به سینه داری

به شام غصه ها دوباره سر زد سپیده

مژده بدید که میلاد رقیه رسیده

*****

اومده عطر گل یاس ، نو بهار عشق و احساس

قبله ی حاجات دلها ، اومده هستی عباس

اومده قبله ی حاجات ، اومده باب زیارات

مژده مژده اهل عالم ، اومده عمه ی سادات

همیشه گفتم و میگم که لعنت بر امیه

ششدانگ قلبم رو زدم به نام رقیه

*****

۱۱۸– امشب، امشب، بوی عطر یار آید

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب، امشب، بوی عطر یار آید

ماهم، ماهم، در این شب تار آید

آفتاب نی، ماه ویرانه

آمدی پیشم، چه غریبانه

*****

بابا، بابا، جانم شود فدایت

بگذار، بگذار، گریه کنم برایت

از لب خشکت، بوسه می گیرم

با تو می آیم، بی تو می میرم

*****

دیشب، دیشب، شب تا سحر نخفتم

تا صبح، تا صبح، یا ابتا می گفتم

هر کجا نامت، بر زبان بردم

تازیانه از ، قاتلت خوردم

*****

عمه، عمه، از من دفع خطر کرد

خود را، خود را، از بهر من سپر کرد

با همه داغم، به همه دردم

برای عمه، گریه می کردم

*****

یاسم، یاسم، نیلوفری گردیده

سیلی، سیلی، ناز مرا کشیده

امشب ای بابا، تو بکش نازم

تا که من هم، جان در رهت بازم

*****

اشکم، اشکم، وقف لب عطشانت

گوشم، گوشم، به نغمه ی قرآنت

اشک گلگون و، خون پیشانی

از تو ویرانه، شد چراغانی

*****

۱۱۹- شام غمهای من غمزده را آخر نیست

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع گلواژه های محرم ۱۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شام غهای من غمزده را آخر نیست

لاله ای همچو لب خونی من پرپر نیست

گوشه ی پلک گشا، صورت من خوب ببین

شک مکن دختر تو پیر شده، مادر نیست

یا که پای سر تو جان دهم امشب بابا

یا به و ا... قسم دختر تو دختر نیست

کودکی سنگ زد و گوشه ی ابروم شکست

دیگر این ظرف ترک خورده چنان ساغر نیست

آن که شمشیر کش است دست ضخیمی دارد

ضربه ی سیلی اش از ضرب لگد کمتر نیست

گیسوانم همه خیرات سر تو دادم

پنچه ای نیست که پیچیده به موی سر نیست

۱۲۰- ویران سرایم امشب شد میهمان سرایم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ویران سرایم امشب شد میهمان سرایم

این جا که خیزران نیست قرآن بخوان برایم

هر شب صدات کردم امشب دعات کردم

یا در برم بمانی یا همرهت بیایم

زهرا عذار نیلی نگشود بهر حیدر

من هم به محضر تو صورت نمی گشایم

گر افکنی جدایی در بین جسم و جانم

دیگر به جان زهرا از خود مکن جدایم

من دختر حسینم هم سنگر حسینم

ماه صفر محرم، شام است کربلایم

خواهم در این خرابه دور سرت بگردم

دیوار گشته حائل، زانو شده عصایم

دیشب به شوق وصلت تا صبح گریه کردم

امشب بگو اسیران گریند در عزایم

کی گفته در خرابه شب ها گرسنه خفتم

بعد از تو بوده هر شب خون جگر غذایم

دانی چرا عدویم تا حدّ مرگ می زد

فهمیده بود از اول من دخت مرتضایم

تا دور او بگردم تا دست او ببوسم

ای کاش همرهت بود عموی با وفایم

هر چند روسیاهم آلوده ی گناهم

مولا بگیر دستم من «میثم» شمایم

۱۲۱- یه عالمه گل یه سبد ستاره

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک نوحه سنگین سنتی

قالب آهنگین

شاعر شاهنوری محمود

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یه عالمه گل یه سبد ستاره

از دستای ارباب ما می باره

به یمن قدمهای یاس حسین

خدا داره سنگ تموم می ذاره

کسی اومده که بهشت منه ، محبت اون خاک و خشت منه

اگر چه بدم ولی نوکرشم ، گدایی اون سرنوشت منه

ای گل ارباب حسین رقیه رقیه (۴)

*****

از عالم بالا خبر می رسه

به شما غم ما سحر می رسه

رو دستای زینب داره می خنده

درخت ولا به ثمر می رسه

تو عرش خدا پیچیده زمزمه ، وسه دیدنش صف کشیدن همه

به عباس و اکبر و قاسم بگید ، اگه ندیدید همینه فاطمه

ای گل ارباب حسین رقیه رقیه (۴)

*****

وا... گدای در خونتم

یه عمریه مهمون میخونتم

تمامی بود و نبود منی

دیگه چی بگم آخه دیوونتم

ببین دل من به هوات می پره ، نگاه تو از همه دل می بره

نه تنها فقط پدر و عمّه ات ، که ناز تو شخص خدا می خره

ای گل ارباب حسین رقیه رقیه (۴)

*****

زمین و زمون همگی خاک پاش ، دل عاشقا سرمست نگاش

می دونم آخر می کشه همه رو ، مث عمو عباس با اون ابرواش

رقیه تموم وجود منه ، محبت اون همه هست منه

وضو بگیرید بی وضو نمی شه ، به قنداقه اش کسی دست بزنه

ای گل ارباب حسین رقیه رقیه (۴)

*****

۱۲۲- من سینه خسته بابا از پا نشسته بابا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من سینه خسته بابا از پا نشسته بابا

چون جوجه ی کوچولو بالم شکسته بابا

بخدا نفسم داره می گیره

سه ساله غنچه ی تو داره می میره

یا ابتا یا حسین(۳)

*****

ای بابای خوب من بنگر اشک دختر تو

سرتا پا هستی من به فدای این سر تو

بشکند دستی که با سنگ زده بر پیشانی تو

چه کسی کرده یتیمم کی بریده حنجر تو؟

جز نیمه جان ندارم، تاب فغان ندارم

خواهم بگیرمت تنگ، اما توان ندارم

بخدا نفسم داره می گیره

سه ساله دختر تو داره می میره

یا ابتا یا حسین(۳)

*****

ای بابا ببین شده کنج ویرانه منزل من

اشکم نُقل مجلس و سر تو شمع محفل من

چه بگویم چه دیده ام یا چه رنجی کشیده ام

تو که رفتی غیر خدا عمه می داند و دل من

بنگر قد خمیده، جانم به لب رسیده

ماه رخم کبود و، موی سرم سپیده

بخدا نفسم داره می گیره

سه ساله دختر تو داره می میره

یا ابتا یا حسین(۳)

*****

۱۲۳- سلام بر من و میلاد روح پرور من

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سلام بر من و میلاد روح پرور من

درود بر من و بر لحظه های آخر من

من آن سه ساله اسیرم که بوده در همه عمر

به روی دامن فرزند فاطمه سر من

اگر چه زینت آغوش امّ اسحاقم

قسم به ذات خدا فاطمه است مادر من

سفیر خون خدایم سفارتم در شام

امیر لشکر اشکم خرابه سنگر من

شبیه فاطمه و زینب و سکینه شدم

گواه ، منظر حسن و تن مطهّر من

چهار ساله ام و با غمی چهل ساله

زمانه ریخته خون جگر به ساغر من

به هر مشاهده می دید چشم ثار ا...

جمال فاطمه در عارض منور من

به جنگ پور معاویه آمدم در شام

خدنگ ناله ، کمان آه ، اشک لشکر من

شهادمت و ادب و عشق و استقامت و صبر

کنند یکسره تعظیم در برابر من

گریستم همه شب تا به مرگ خنده زدم

چنان که خنده دم مرگ زد برادر من

شجاعت است برادر ، شهامت است پدر

حجاب ، مادر من بوده ، صبر دختر من

چو آفتاب ، فروغم به چهره بود حجاب

نشان سیلی دشمن حجاب دیگر من

به احتضار فتادم ز انتظار پدر

نیافت خواب شبی ره به دیده ی تر من

به موج حادثه ها می گرفت دستم را

نبسته بود اگر دست های خواهر من

نبود وعده ی وصلم اگر خرابه ی شام

کنار نعش پدر مانده بود پیکر من

سلام بر من و حجّ حسینیم تا حشر

که بود حجّ عظیم و طواف اکبر من

سلام بر من و حجّم که شد خرابه ی شام

مطاف من عرفات و مقام و مشعر من

به دور رأس پدر هفت بار گردیدم

طواف کعبه کجا و طواف دلبر من

در این خرابه زیارت کنید زهرا را

که روح فاطمه ی طاهره است در بر من

نشانه ای است ز میراث مادرم زهرا

اگر کبود شده عارض منور من

سرشک غربت زینب خرابه را می شست

چو خاک ریخت دل شب به جسم لاغر من

نه این خرابه که در هر دلی مراست مزار

نه شهر شام که عالم بود مسخّر من

مزار و بقعه ی من طعنه می زند به بهشت

کجاست تا که شود کور خصم کافر من

به شام ، رایحه ی خاک کربلا شنوید

کنار تربت پاکیزه و مطهّر من

گرفته ماه رخم! زینت پدر گردید

اگر چه رفت به غارت تمام زیور من

وضو ز اشک گرفتم پی نماز وصال

وصال بود جواب سلام آخر من

کبودی رخ خود تا نهان کنم ز پدر

هزار حیف که بر سر نبود معجر من

حسین بود طپشهای سینه ی تنگم

حسین بود نفسهای روح پرور من

رواق کوچک من از جهان بزرگتر است

وجود، گمشده در کلبه ی محقّر من

شرار ناله ام از سوز «میثم» است بلند

که بیت بیت بود ناله ی مکرّر من

۱۲۴- دنیا چرا جلال تو را در نظر نداشت

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دنیا چرا جلال تو را در نظر نداشت

افسوس کز مقام بلندت خبر نداشت

ای مصحفی که چشم خدا بر فراز نی

یکدم ز آیه های رخت چشم بر نداشت

تاریخ غربت علوی در حدیث شام

چون صفحه ی رخت سندی معتبر نداشت

تاشام را مدینه کند قبر کوچکت

از تو حسین فاطمه ای خوبتر نداشت

غیر از شبی که بود چراغت سر پدر

یک شب خرابه ی تو چراغ سحر نداشت

عمر کم تو در سفر شام شاهد است

مثل تو سید الشهدا همسفر نداشت

با آنکه ناله ات جگر سنگ را شکافت

آهت به قلب خصم ستمگر اثر نداشت

هر تیر غم که خواست برد حمله بر دلت

جز سینه ی مقدس زینب سپر نداشت

غیر از تو ای سه ساله سفیر بزرگ شام

دنیا چنین سفیر به سنّ صِغَر نداشت

بی اشک تو خرابه فراموش گشته بود

بی آه تو چراغ اسارت شرر نداشت

زینب به شام با همه ی درد و داغ ها

داغی چو داغ ماتم تو بر جگر نداشت

بر قبر بی چراغ تو تا صبح اشک ریخت

صورت ز روی خاک مزار تو بر نداشت

دُرِّ یتیم فاطمه اش رفت زیر خاک

جز اشک دیده بهر عزایش گهر نداشت

دنیا بدان که جای کفن آن عزیز جان

جز جامه ی سیاه اسارت به بر نداشت

زیبد کند به امت اسلام مادری

آن کودک خرابه نشین کو پدر نداشت

چون آفتاب سوخت در آغوش آفتاب

چتری به غیر زلف پریشان به سر نداشت

جان داد در خرابه کنار سر پدر

چون طایری که بال زد و بال و پر نداشت

کی دیده یک سه ساله شود فاتح دمشق

دنیا به یاد این همه فتح و ظفر نداشت

روی کبود و هجر رخ یار و دفن شب

گویی جز ارث فاطمه ارثی دگر نداشت

از کربلا گرفته الی شام دم به دم

با مرگ رو به رو شد و بیم از خطر نداشت

«میثم» چو این قصیده ی جانسوز می سرود

جز اشک و آه و سوز دل و چشم تر نداشت

۱۲۵– به کودکی شده سرو قدم نهال خمیده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به کودکی شده سرو قدم نهال خمیده

ز گیسویم زده در شهر شام صبح سپیده

شده است دامن من رحل و رأس پاک تو قرآن

و یا که بر سر دستم شکفته لاله ی چیده

به کودکی سر پاک پدر به دامن دختر

مصیبتی است که من دیدم و کسی نشنیده

روا بود که به هم دسته گل کنیم تعارف

تو راست خون جبین و مراست اشک دو دیده

سلام بر تو که زخم سرت دوا نپذیرد

درود بر تو که خون دلت ز دیده چکیده

درود بر لب خشکیده ی ز چوب کبودت

سلام بر تو و این حنجر بریده بریده

بگو بگو چه کنم تا شوم شبیه تو بابا

تو راست چهره ی گلگون مراست رنگ پریده

فشار نیزه کجا و دهان تو که مکرر

زبان ختم رسل را به گاهواره مکیده

به جرم آن که شنیده شبیه فاطمه هستم

عدو مرا زده سیلی و عمه آه کشیده

فراز دوش پدر لاله ای چو من نشکفته

به روی خار ستم کودکی چو من ندویده

کدام سینه که از این شرر نسوخته «میثم»

کدام ناله کز این غم به آسمان نرسیده

۱۲۶- تو غنچه ای تو سبزه ای تو یک بهشت لاله ای

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو غنچه ای تو سبزه ای تو یک بهشت لاله ای

تو مهری و ستاره ای تو ماهی و تو هاله ای

تو از قبیله ی سخا تو جود را سُلاله ای

تو از تبار کرمی کبوتر سه ساله ای

عشق تو کعبه ی دل خسته دلان رقیه جان

رقیه جان رقیه جان رقیه جان رقیه جان

*****

فرشتگان آسمان گِرد سر تو می پرند

عطر تو را به کهکشان دست به دست می برند

ناز تو نازنین بدن به اشک دیده می خرند

به خاطر تو غنچه ها جامه ی خویش می درند

نام مقدست بود ورد زبان رقیه جان

رقیه جان رقیه جان رقیه جان رقیه جان

*****

لب تو کوثر علی رخ تو ماه فاطمه

سرشته در وجود تو جلال و جاه فاطمه

قسم به ناله های تو به سوز و آه فاطمه

نهان به گوشه چشم تو بود نگاه فاطمه

۱۲۷- من چهل منزل به دنبالت دویدم ای پدر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من چهل منزل به دنبالت دویدم ای پدر

تا در این ویران به دیدارت رسیدم ای پدر

دیدمت اما نه آن گونه که می بردم امید

من سر ببریده ات در بر کشیدم ای پدر

عشقبازی می کنم نک با سر ببریده ات

ای که داغت را به جان و دل خریدم ای پدر

عمه و من زائر رگ های خونین توایم

همچو او من هم شهامت آفریدم ای پدر

عمه رگ های تنت بوسید و من رگ های سر

ای غریب و تشنه، عریان و شهیدم ای پدر

در کلاس عشق تو شاگرد اول عمه شد

در مسیر کربلا از آنچه دیدم ای پدر

تا شنید از نیزه قرآن خواندنت را سر شکست

ورنه قرآنت به نی من هم شنیدم ای پدر

بردی اصغر را که آبش داده باز آری چه شد؟

آه که آن شش ماهه را دیگر ندیدم ای پدر

در میان کشتگانت هم نشان او نبود

هر چه گشتم بین یاران شهیدم ای پدر

یک دل کوچک کجا و سوز غم های بزرگ

جای خون آتش بجوشد در وریدم ای پدر

۱۲۸- امشب چه خوب سر زدی از آشیانه ای

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب چه خوب سر زدی از آشیانه ای

کانجا فتاده مرغکِ بی آب و دانه ای

از اهل بیت خویش به ویران عجب مکن

جز این غریب خانه نداریم خانه ای

ای یوسف عزیز سرت را خریده ام

با اشک دانه دانه و آه شبانه ای

من با سرت معامله جان و دل کنم

ای سر که در معامله با حق یگانه ای

آمد به ناله دامن وصلت به دست من

زیرا نبود بهتر ازینم بهانه ای

تا امشب ای پدر که به دیدارم آمدی

من را نبود غیر نوایت ترانه ای

زحمت کشیده ای به سراغ من آمدی

ای سر که سرّ مرحمت جاودانه ای

فُلکِ نجات بهر نجات من آمدی

در ورطه ای که غم رسد از هر کرانه ای

طاقت نداشتم که بگیرم سرت به بر

کز من نمانده غیر سری بار شانه ای

زان روی خم شدم پی بوسیدن رُخت

این است حال کودکِ آتش به لانه ای

از بس مرا زدند تنم درد می کند

بر عضو عضو من بود از آن نشانه ای

هر کس به هر چه داشت کتک زد مرا پدر

ای کاش تا که بود فقط تازیانه ای

آن شب که می سُرود" مؤید "رثای من

با خویش داشت زمزمۀ عاشقانه ای

۱۲۹– تا کی ز تن درد فراقم جان بگیرد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تا کی ز تن درد فراقم جان بگیرد
امشب دعا کن عمر من پایان بگیرد
گیرم وضو از اشک و رویت را ببوسم
آنسان که زهرا بوسه از قرآن بگیرد
با من بگو کی دیده یک طفل سه ساله
رأس پدر را بر روی دامان بگیرد
با من بگو کی دیده یک مرغ بهشتی
چون جغد جا در گوشه ی ویران بگیرد
با من بگو کی دیده طفلی در خرابه
اشک پدر را با لب عطشان بگیرد
با من بگو کی دیده اشک میزبانی
خاکستر و خون از رخ مهمان بگیرد
با من بگو ای جان بابا، با چه جرمی
دشمن هزاران بار از من جان بگیرد
با من بگو کی دیده با رسم تصدق
ریحانه ی زهرا ز مردم نان بگیرد
با من بگو ای جان بابا با چه جرمی
دشمن هزاران بار از من جان بگیرد
دست ار نداری با دو چشم خود دعا کن
زخم دل من از اجل درمان بگیرد
«میثم» سزد در ماتمم آنسان بگریی
کز سیل اشکت چرخ را طوفان بگیرد

۱۳۰- مهر و مه را برده اند وماه پاره مانده است

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مهر و مه را برده اند و ماه پاره مانده است

آسمان در حسرت این یک ستاره مانده است

هر چه کردم در خرابه تا سحر خوابم نبرد

شیرخواره بر زمین بی گاهواره مانده است

ای که داری هدیه بهر دختر خود می بری

چند تار گیسویم در گوشواره مانده است

گر چه از گیسوی من در شعله ها چیزی نماند

بر تن من یک لباس پاره پاره مانده است

این لعینان گوش را با گوشواره می برند

۱۳۱- شب و خورشید و آشیانه ی من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب و خورشید و آشیانه ی من

نورباران شده است خانه ی من

طَبَقِ نور شد در این دل شب

پاسخ گریه ی شبانه ی من

بوی بابا رسد مرا به مشام

ابتا مرحبا! سلام، سلام

*****

مصحفِ روی دست من سر تو است

هیفده آیه نقش منظر تو است

زخم های سر بریده ی تو

شاهد زخم های پیکر تو است

در رگ حنجر تو دیده شده

که سرت از قفا بریده شده

*****

تو نبودی فراق آبم کرد

عمه بیدار ماند و خوابم کرد

صوت قرآن تو دلم را برد

لب خشکیده ات کبابم کرد

ای علی بر لب تو بوسه زده!

چوبِ کی برلب تو بوسه زده؟

*****

تا به رویت فتاد چشم ترم

پاره شد مثل حنجرت جگرم

خواستم پا نهی به دیده ی من

پس چرا با سر آمدی به برم

دامن دخت داغدیده ی تو

گشت جای سر بریده ی تو

*****

طفل قامت خمیده دیده کسی؟!

مثل من داغدیده، دیده کسی؟!

بر روی دست دختر کوچک

سر از تن بریده دیده کسی؟!

من نگویم به من تبسّم کن

با نگاهت کمی تکلّم کن

*****

ماهِ در خاک و خون کشیده ی من!

گل سرخ ز تیغْ، چیده ی من!

کاش جای سَر بریده ی تو
بود اینجا سَر بُریده ی من
نیزه بر صورتِ تو چنگ زده
کی به پیشانی تو سنگ زده؟

*****

هر کجا از تو نام می بردم
از عدو تازیانه می خوردم
وعده ی ما خرابه بود ولی
کاش در قتلگاه می مردم
به خدا شامیان بدند، بدند
تو نبودی مرا زدند، زدند

*****

کودک وحی کی حقیر شود؟
طفل آزاده چون اسیر شود؟
از تو می پرسم ای پدر! دیدی
دختر چارساله پیر شود؟
قامت خم گواه صبر من است
گوشه ی این خرابه قبر من است

*****

حیف از این لب و دهن باشد
که بر او چوبْ بوسه زن باشد
دوست دارم که وقت جان دادن
صورتت روی قلب من باشد
اشک تو جاری از دو عین من است
بوسه ی من شهادتین من است

*****

شامیان گریه ی مرا دیدند
همگی کف زدند و خندیدند
من گل نوشکفته ای بودم
همه با تازیانه ام چیدند
تازیانه گریست بر بدنم
بدنم گشت رنگ پیرهنم

*****

همه عالم گریستند به من

همچو «میثم» گریستند به من

دل تنگ عدو نسوخت ولی

سنگ ها هم گریستند به من

گریه باید برای غربت من

که شود این خرابه تربت من

*****

۱۳۲- ای چراغ شب شهادت من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای چراغ شب شهادت من

ای تماشای تو عبادت من

جان من! باز بر لب آمده ای

آفتابا! چرا شب آمده ای

ای امید دل شکسته ی من

ای دوای درون خسته ی من

گلوی پاره پاره آوردی

عوض گوشواره آوردی

نفسم هُرم آتش تب توست

جای چوب که بر روی لب توست؟

نگهت قطره قطره آبم کرد

لب خشکیده ات کبابم کرد

که به قلب رقیه چنگ شده؟

که به پیشانی تو سنگ زده؟

سیلی از قاتلت اگر خوردم

ارث مادر به کودکی بردم

تنم از تازیانه آزردند

چادر خاکی مرا بردند

آفتاب رخم عیان گردید

در دو پوشش رویم نهان گردید

ابر سیلی به رخ حجابم شد

خون فرق سرم نقابم شد

شامیان بی مروت و پستند

ده نفر را به ریسمان بستند

همه را با شتاب می بردند

سوی بزم شراب می بردند

من که کوچکتر از همه بودم

راه با دست بسته پیمودم

نفسم در شماره می افتاد

در وجودم شراره می افتاد

بارها بین ره زمین خوردم

عمه ام گر نبود می مردم

تا به من خصم حمله ور می شد

عمه می آمد و سپر می شد

بس که عمه مدافع همه شد

پای تا سر شبیه فاطمه شد

۱۳۳- ای که تویی حسین را نور عین

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای که تویی حسین را نور عین

رقیه خاتونی و بنت الحسین

سه ساله و معلم مکتبی

فروغ بخش دیده ی زینبی

بزرگ عالمی کجا کودکی

باب حوائجی اگر کودکی

۱۳۴- مشعل فروز ولایت، آیینه ی کوثرم من

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته(۱)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مشعل فروز ولایت، آیینه ی کوثرم من

زهرای زهرا خصایل، ریحانهٔ الحیدرم من

هر چند هستم به ظاهر، طفل یتیمی سه ساله

حتی چهل سالگان را در کودکی مادرم من

طفلم ولیکن چه طفلی، طفل حسین شهیدم

یک فاطمه صبر و ایثار، یک زینب دیگرم من

طفل صغیر حسینم، نی نی، سفیر حسینم

فریاد سرخ ولایت، خون را پیام آورم من

ناموس بیت الولایم، شام است کرب و بلایم

با یک مدینه کرامت، یک کربلا لشگرم من

وجه خدا شمعِ بزمم، ویرانه میدان رزمم

شام است تسلیم عزمم، از کوه محکم ترم من

پیروز میدان عشقم، شمشیر فتح دمشقم

با عمه ی قهرمانم، هم گام و هم سنگرم من

با قامت کوچک خود، یک اسوه ی استقامت

با صورت نیلی خود، خورشید روشنگرم من
یاقوت از دیده سفتم، با مردم شام گفتم
آخر چرا می زنیدم فرزند پیغمبرم من
شد مصحف پیکرم پر از آیه با تازیانه
یک سوره ی کوچکم، نه! قرآن ز پا تا سرم من
من طایر قدس بودم، می خواندم و می سرودم
اکنون کنار خرابه، صید شکسته پرم من
پیوسته باب المرادم، تا حشر باب الحسینم
شهر شهادت حسین است، بر این مدینه درم من
شام بلا رزمگاهم، شمشیر من تیر آهم
هر قطره اشکم سپاهم، کی گفته بی یاورم من
دشمن مرا هم کتک زد، بر چهره، مُهر فدک زد
فهمید از روز اول، بر فاطمه دخترم من
عمرم به پایان رسیده، خون از دو چشمم چکیده
امشب ز رنگ پریده، گل بر پدر می برم من
«میثم» به دامان من زن پیوسته دست توسّل
زیرا که باب الحوائج تا دامن محشرم من

۱۳۵- بخار آه ره شیشه ی نگاه گرفت

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بخار آه ره شیشه ی نگاه گرفت
خرابه با سر تو بوی قتلگاه گرفت
یتیم و خار مغیلان بهم نمی آید
عجب مدار که کار و بار آه گرفت

۱۳۶- از روی تو ای جانانه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع بهار حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از روی تو ای جانانه

شد غرق صفا ویرانه

ای یوسف زهرا امشب

تو شمع و منم پروانه

بگشا دو چشم نازنین را ، ببین من ویران نشین را

در کودکی پیرم پدر جان

بابا حسین بابا حسین جان(۳)

*****

هم رنگ پریده دارم

هم اشک چکیده دارم

مانند خم ابرویت

من قد خمیده دارم

ای روی دامانم نشسته ، بگو چرا سرت شکسته

بودی کجا ای ماه تابان

بابا حسین بابا حسین جان(۳)

*****

ای ماه کمان ابرویم

من با تو سخن می گویم

با اشک دو چشمم امشب

رخسار تو را می شویم

بگو گناه تو چه بوده است ، بابا چرا لبت کبود است

مگر که خوانده ای تو قرآن

بابا حسین بابا حسین جان(۳)

*****

ای روی تو قرص ماهم

ای گرمی اشک و آهم

امشب سر پر خون تو

گردیده زیارتگاهم

من از لبت بوسه بگیرم ، دورت بگردم تا بمیرم

جان می دهم امشب به ویران

بابا حسین بابا حسین جان(۳)

*****

۱۳۷- پدر ز روی تو گلبوسه تا که من چیدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع یک کربلا عطش

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پدر ز روی تو گلبوسه تا که من چیدم

بساط زندگی خویش نیز برچیدم

درِ بهشت شهادت گشوده شد به رُخَم

ز لحظه ای که سرت را به گریه بوسیدم

وفور اشک مجالم نمی دهد یک آن

که بعد رفتن تو یک زمان نخندیدم

دمیده پرتو خورشید در خرابه و من

همان ستاره ی نزدیک تر به خورشیدم

غم بزرگ تو و قلب کوچکم ای وای

گلو بریده دگر دل ز عمر ببریدم

ز بس غبار مصیبت گرفته چشمم را

اگر نبود فروغ سرت نمی دیدم

۱۳۸- ای دُرّ یگانه ی ولایت

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب مثنوی

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دُرّ یگانه ی ولایت

محبوبه ی خانه ی ولایت

ای گنج حسین در خرابه

پیوسته به گریه و انابه

ای فاطمه را سرور سینه

زهرای سه ساله ی مدینه

خورشید به سایه ی نگاهت

آغوش حسین جایگاهت

در سنّ صغر بزرگ بانو

عصمت زده پیش پات زانو

تو سوره ی کوثر حسینی

آیینه ی مادر حسینی

بین اسرا امیر اسلام

از سوی پدر سفیر اسلام

یاد آور فاطمه قنوتت

فریاد حسین در سکوتت

فریاد خدا خدا خدایت

جوشیده ز اشک بی صدایت

دل ها به محبت تو پابست

قرآن حسین بر سر دست

نازک بدنت پر از نشانه

از بوسه ی گرم تازیانه

از خون سرت ز ضربت سنگ

گیسوی مقدست شده رنگ

تو عطر بهشت کربلایی

در شامی و کعبه ی ولایی

تو بود و نبود اهل بیتی

تو یاس کبود اهل بیتی

روی تو حسین را صحیفه

آزرده ز سیلی سقیفه

بر فرق تو ریخت ای گل پاک

خاکستر و سنگ و خار و خاشاک

ای رأس عمو چراغ راهت

کرده ز فراز نی نگاهت

ای ماه به خاک آرمیده

برخیز ستاره ات دمیده

چشمی بگشا که دلبر آمد

برخیز که یار ، با سر آمد

ای چشم حسین! روی حق بین

خورشید به دامن طبق بین

بر دیدن روی یار امشب

رو پوش بزن کنار امشب

دوران غمت به سر رسیده

گمگشته ات از سفر رسیده

تو لاله و باغبانت این است

تو ماهی و آسمانت این است

این است که ظهر روز عاشور

با گریه شد از تو کم کمک دور

این است که بر تو تاب می داد

از اشک دو دیده آب می داد

این است که با دلی پر از درد

بر عمه سفارش تو را کرد

این است که زیر چوب دیدی

قرآن ز دهان او شنیدی
این هستی توست در برش گیر
گل بوسه ز روی انورش گیر
بگشوده دو چشم خود به سویت
با گریه نگه کند به سویت
من داغ گل مدینه دارم
آتش به درون سینه دارم
جان را شرری ز ناله کردم
دل را حرم سه ساله کردم
در ماتم او سیاه پوشم
پیچیده صدای او به گوشم
آن طفل یتیم داغ دیده
گوید به سر ز تن بریده
کای مهر سحر طلوع کرده
مه پیس رخت خضوع کرده
قربان دو چشم نیم بازت
خاموشی و اشک جانگدازت
این اشک دو دیده ات مرا کشت
رگ های بریده ات مرا کشت
شب از سفر آمدی پدر جان
وقت سحر آمدی پدر جان
گردیده به جای گوشواره
سوغات تو حلق پاره پاره
کی جسم تو را به خون کشیده؟
رگ های گلوت را بریده
گیرم که لبت ز چوب خستند
دندان تو را چرا شکستند
چشم تر و کام خشک داری
از خاک تنور مُشک داری
قرآن و خدنگ ، وای بر من
پیشانی و سنگ وای بر من
خجلت زده از تو و عمویم
از آب ، دگر سخن نگویم

القصه در آن سیاهی شب

سر بود و رقیه بود و زینب

بر عمه وفای خود نشان داد

لب بر لب شه نهاد و جان داد

خاموش چراغ انجمن شد

پیراهن کهنه اش کفن شد

۱۳۹- ای عراقی ها حجازی ها نوایم سوخته

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای عراقی ها حجازی ها نوایم سوخته

لب ترک خورده زبان زخمی صدایم سوخته

تا که اشک ریخت قلب خیمه ها آتش گرفت

گوشه ی پیراهنم حتی برایم سوخته

با دو دست کودکانه می زدم بر شعله ها

وای بابا یک به یک انگشتهایم سوخته

عمه انگشتان من را در دهانش می گذاشت

۱۴۰- مظهر انوار خدا، دومین ام ابیها

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مظهر انوار خدا، دومین ام ابیها
سوره ی قدر دل ما، هستی ارباب با وفا
آروم و قرار باباست، خدا میدونه، شبیه زهراست
نذر راش، گلای احساس، آروم می گیره، رو دست عباس
مولاتی مدد رقیه مدد رقیه مدد رقیه(۲)
*****
چشاشو تا باز می کنه، با نگاش اعجاز می کنه
دلمو شوق حرمش، عاشق پرواز می کنه
هر عاشق حواله داره، میون دستاش، یه لاله داره
امّید طواف کوی، گل خوش بوی، سه ساله داره
مولاتی مدد رقیه مدد رقیه مدد رقیه(۲)
*****
قبله ی عشق و شور و شین، کعبه ی اُمّید حسین
می بره دل از همه، رقیه بنت الحسین
امید دلای بی تاب، با گوشه چشمی، دلا رو دریاب
شیدایی نداره آداب، منم مجنونِ، ضریح ارباب
مولاتی مدد رقیه مدد رقیه مدد رقیه(۲)
*****

۱۴۱- ما گمشدگانیم به عرفان رقیه

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک ولادتی
قالب غزل
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما گمشدگانیم به عرفان رقیه

دلها شده محزون و پریشان رقیه

او دختر معصوم بود و خواهر معصوم

هم عمه معصوم ،نگر شأن رقیه

حاتم که بود شهره آفاق سخایش

محتاج بود بر در احسان رقیه

پرچم زده در شام نماینده زینب

کنسول گری عشق شد ایوان رقیه

گه سینه زند گاه کند ناله و افغان

این هیئت پرشور محبان رقیه

ذهنش بنمود عمه مظلومانه بگفتا

از جان خودم سیر شدم جان رقیه

رفتی ز برم ای به من غمزده مونس

دل خون شده چو لاله ز هجران رقیه

گوشواره ی غارت شده ات را بگرفتم

شاید بخندد لب خندان رقیه

رفتم به مدینه نکنم شادی و عشرت

پرسد ز من ار خواهر نالان رقیه

کی خواهر زیبای من عمه به کجا رفت

آخر چه بگویم به عزیزان رقیه

گویم به دل ویران مکان شد به عزیزم

آمد پدرش در شب پایان رقیه

بگرفت به دامان سر خونین حسین را

آلوده به خون شد بله دامان رقیه

لبهای پدر بوسه زد و جان به رهش داد

بگریست بر او دیده مهمان رقیه

۱۴۲- روشن شده دو چشم بارانی من امشب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روشن شده دو چشم بارانی من امشب

بهتر ز هر بهشت است مهمانی من امشب

آمده بابای من

دلبر زیبای من(۲)

یا ابتا یا حسین ابی عبد ا... (۲)

*****

شکر خدا دردم مداوا شد این عقده هم وا شد

روشن دو چشم دختری خسته بر روی بابا شد

ویرانه ی من با گل رویش فردوس اعلا شد

عمه بیا کمک کن ، بنشین دمی کنارم

خواهم ببوسم او را ، اما رمق ندارم

آمده بابای من

دلبر زیبای من(۲)

یا ابتا یا حسین ابی عبد ا... (۲)

*****

بابا چرا از پیش ما رفتی بی من کجا رفتی

من ماندم و دوری و تنهایی آخر چرا رفتی

از غصه مردم از هماندم که از کربلا رفتی

ای وای از این زمانه ، زین جور ظالمانه

بابا بیا دوباره ، ما را ببر به خانه

آمده بابای من

دلبر زیبای من(۲)

یا ابتا یا حسین ابی عبد ا... (۲)

*****

بابا ببین سرو قدم خمیده جانم به لب رسیده

چون جوجه ای غمدیده دختر تو سر زیر پر کشیده

هر زخم پایم گوید این سه ساله بر خارها دویده

ای بهتر از وجودم ، بنگر رخ کبودم

گر عمه ام نمی بود ، تا حال مرده بودم

آمده بابای من

دلبر زیبای من(۲)

یا ابتا یا حسین ابی عبد ا... (۲)

*****

۱۴۳– چه طفلی چه طفلی که پیر عالمین است

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چه طفلی چه طفلی که پیر عالمین است

سراپا سراپا همیشه شور و شین است

به زهرا به حیدر ضیاء هر دو عین است

گل عشق گل عشق گل عشق حسین است

ملائک ملائک همه مست سبویش

کواکب کواکب بخندند به رویش

شب قدر شب قدر دخیل تار مویش

بود چشم دو عالم به سویش به سویش

گهی عمویش او را روی دوش بگیرد

گهی عمه اش او را در آغوش بگیرد

دل اهل ولایت همه مست رقیه

همه هستی هستی ز هست رقیه

بگردد همه افلاک روی دست رقیه

رقیه ذکر هر لب رقیه روح مذهب

جگر گوشه ی زهرا عزیز دل زینب

رقیه گل هستی رقیه هستی گل

رقیه بلبل عشق رقیه عشق بلبل

رقیه سنبل نور رقیه نور سنبل

رقیه یا رقیه بود ذکر توسل

رقیه جان اصل است رقیه اصل جان است

که او عمه ی کوچک به صاحب الزمان است

۱۴۴- هر که از عشق رنگ و بو دارد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

هر که از عشق رنگ و بو دارد

هر چه هم باشد آبرو دارد

گر چه از عشق بارها گفتند

باز هم جای گفتگو دارد

بردن نام عشق جایز نیست

جز بر آنکه لبش وضو دارد

کیست این خانم سه ساله ی عشق

که پدر هم هوای او دارد

هر چه کردم مرا دمشق نبرد

دل من نیز آرزو دارد

نه مگر می شود بغل نشود

نه مگر می شود عمو دارد

*****

بال جبریل با پرش خوب است

آسمان با کبوترش خوب است

عاشقان مثل ابر بارانند

از همه چشمها ترش خوب است

به گرفتاریم نگاه مکن

جاده ی عشق آخرش خوب است

گر چه طفل پسر نمک دارد

ولی این بار دخترش خوب است

از همه دختران هر آنکس که

رفته باشد به مادرش خوب است

بهر بالا نشینی خانم

شانه های برادرش خوب است

*****

ای مسیحای آشنای حسین

خنده هایت گره گشای حسین

ای که وقت نزول آیه ی عشق

چادرت می شود حرای حسین

من چکیده شدم به پای شما

تو چکیده شدی برای حسین

آفریده شدم برای شما

آفریده شدی برای حسین

عاقبت می شوم فدای شما

عاقبت می شوی فدای حسین

من خمیده شدم برای شما

تو خمیده شدی برای حسین

من تکیده شدم برای شما

تو تکیده شدی برای حسین

هر چه باشد تو عمه ی مایی

زینب دوم سرای حسین

*****

یاد تو یاد مادر آورده

کیست اشک تو را در آورده

این همه پیش عمه گریه نکن

حاجتت می شود بر آورده

ای فرشته بلند شو از خواب

یک نفر آمده سر آورده

شوق وصل یتیم گونه ی توست

که طبق را جلوتر آورده

پدرت آمده چه آمدنی

به گمانم که معجر آورده

آنکه برده است گوشواره ی تو

داد عباس را در آورده

دخترم ای فرشته ام چه کسی

گوشوار تو را در آورده

*****

۱۴۵- تو خاک غم گرفته با زخمهای بی حساب بخواب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو خاک غم گرفته با زخمهای بی حساب بخواب

دیگه نمی زنه تو رو کسی میون خواب بخواب

به یاد راه رفتن تو دستو به دیوار می زنم

با پاره های رو سریم نشستمو زار می زنم

صدام گرفته از گریه تو شام تنهایی

با گریه می خونم روضه به جای لالایی، شدم تماشایی

گفتم که زخمات خوب می شدند عاقبت اما خوب نشدند

شونه ها تو تکون دادم اما چشات وا نشدند

۱۴۶- ما داغدار داغ کف پای لاله ایم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما داغدار داغ کف پای لاله ایم

آشفته حال قافله ی آه و ناله ایم

هر عاشقی به تیر نگاهی دچار شد

ما کشته ی رقیه شهید سه ساله ایم

۱۴۷- دختری آمد از قبیله ی نور

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دختری آمد از قبیله ی نور

نذر راهش سبد سبد احساس

صورتش مثل قاب نرگس بود

سیرتش روح صد گلستان یاس

*****

هر فرشته که می رسید از راه

یا اگر جبرئیل می آمد

به پر روسری گلدارش

تا ببندد دخیل می آمد

*****

تا که لب را به خنده وا می کرد

دل هر ماه پاره را می برد

هر دلی را به لطف لبخندش

به خدا تا خود خدا می برد

*****

ساره آسیّه هاجر و مریم

زائر هر شب نگاه او

وَ شکوه تمام این دنیا

گرد و خاک غبار راه او

*****

به صفات حمیده اش سوگند

آینه دار حُسن زهرا بود

خاک راهش شفای هر دردی

او مسیحاتر از مسیحا بود

*****

در میان قبیله ی خورشید

در دل هر ستاره جایی داشت

وَ روی موج آبی دلها

مثل مهتاب ردّ پایی داشت

*****

آسمان است و گوشواره ی او

خوشه های طلایی پروین

مستجاب الدعاست این بانو

عطر سبز قنوت او آمین

*****

عطر باغ بهشت دارد او

که شبیه نسیم می آید

یا به روی قنوت پروازش

بال هر یا کریم می آید

*****

هر سحر بوسه می گرفتند از

مقدمش کاروانی از خورشید

یاس ها چلچراغ ایوانش

با همان بالهای سبز و سپید

*****

خاک بوسش فرشته، تا می شد

او برای نماز آماده

بال پرواز ربنایش بود

عطر سیب و ضریح سجاده

*****

آسمان مدینه ی دل را

مهر و ماه و ستاره، کوکب بود

بین این خانواده این بانو

همه ی عشق عمه زینب بود

*****

آسمانها ستاره می ریزد

جبرئیل از جنان به پای او

دسته گل می فرستد از جنت

مادرش فاطمه برای او

*****

نه فقط عشق حضرت ارباب

آرزو و امید عباس است

زینت آسمان آبیِّ

شانه های رشید عباس است

*****

جلوه دارد میان چشمانش

همه ی مهربانی ارباب

گل بریزید آمده از راه

دختر آسمانی ارباب

*****

مریم است این وَ یا خود زهراست

که حریمش پُر از کرامات است

تا قیام قیامت این بانو

افتخار تمام سادات است

*****

۱۴۸- بگو ای سر چرا پیکر نداری

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بگو ای سر چرا پیکر نداری

چرا ای تشنه آب آور نداری

بود انگشت حیرت بر دهانم

چرا انگشت و انگشتر نداری

شدم در اشک و ناله ، دل من خون چو لاله

ببین خم گشته از غم ، قد طفل سه ساله

*****

رخ تو ماه و ابرویت کمان است

چرا در ابر خاکستر نهان است

چرا باغ دو لبهایت خزانی است

گمانم جای چوب خیزران است

ببین با قلب خونبار ، دو چشم من گهربار

چو زهرا مادر تو ، بود دستم به دیوار

*****

۱۴۹- مرغ بی قرار دل پر زده از میون سینه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب بحر طویل

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۲-۷۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرغ بی قرار دل پر زده از میون سینه، دل من راهی شده به سوی کوچه های پر نور مدینه، میون یه خونه ی آسمونی، که پر از عشق و محبت پُرِ از مهربونی، خونه ای که ملائک ازش می گیرن نشونی، پر از شور و صفاست، پُرِ از عطر خداست

*****

همه جا پیچیده بوی گل یاس، آخه پا گذاشته توی این خونه، یه فرشته ی قشنگ و مهربون، یه ملیکه ای که خنده هاش شده، رشک کلّ حوری های آسمون، یه گلی که با نگاش، گلی که با خنده هاش، دل اهل آسمونو می بره، نه فقط عزیز آسمونیاست، عاشقش خود خداست

*****

کیه این غنچه ی یاس، که به پا کرده تو دل همهمه ای، یکی میگه تو عزیز همه ای، یکی دیگه میگه با نم نم اشک، عزیزم چقدر مث فاطمه ای، این عزیز دردونه ی ارباب ماست، گل زیبای حسین، آره این رقیه ی کربلاست

*****

دخترک وقتی که لبخند می زنه، تو دل باباش چه غوغایی میشه، عمه زینب لالایی براش می خونه همیشه، دختر ناز رباب، وقتی که آروم آروم می ره به خواب، گهواره ش می شه دو دست عمو جون، یه عموی مهربون، یه عموی پهلوون، می نشوند رقیه رو عمو به روی شونه هاش، یه بوسه می زد به روی گونه هاش، دخترک دل می بره از عمو جونش با چشاش، با حرارت نگاش، با لطافت صداش، با حریر خنده هاش، نه فقط از عمو جون، بلکه دل می بره هر شب از باباش، می زنه بوسه بابا به صورتش، مثل قرص مهتابه، آره این یاس سفید همه ی بود و نبود اربابه، به خدا که تار و پود اربابه، کیه دلبر حسین، کیه آئینه ی مادر حسین، کیه کوثر حسین، عود و عنبر حسین، عشق خواهر حسین، عطر باور حسین، عشق ارباب اومده، مهر و مهتاب امده، اومده رقیه دختر حسین

۱۵۰– شب شب شور و حاله ، مستی کنید حلاله

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک نوحه سنگین سنتی

قالب آهنگین

شاعر شاهنوری محمود

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب شب شور و حاله ، مستی کنید حلاله

پیمونه رو بیارید، می بریزید پیاله

ببین چه دلنوازه، بر همه چاره سازه

هر کی می خواد ببینه، باید وضو بسازه

تو باغ عشق نیلوفر در اومد

برای ساقی امشب ساغر اومد

خدا زهرا رو از نو آفریده

شمیم آیه های کوثر اومد

رقیه یا رقیه رقیه یا رقیه(۲)

*****

ماه شده و می تابه، خورشید در نقابه

شبیه عمه زینب، تفسیری از حجابه

عموش تا که شنفته، گل از گلش شکفته

خودش کنار گوشش، اذون اقامه گفته

خدا بر دلبر ما موهبت کرد

که یک دردانه بر او مرحمت کرد

به شکرش باید او را از هم اکنون

دقیقاً مثل زینب تربیت کرد

رقیه یا رقیه رقیه یا رقیه(۲)

*****

امشب که بیقراریم، حال قشنگی داریم

باید برا رقیه، چشم روشنی بیاریم

بگید که دلسپردیم، نون و نمک رو خوردیم

دلای خستمونو، کادو برات آوردیم

یه عمره مهمون این خونه هستم

اسیر و مست این میخونه هستم

درسته نوکر خوبی نبودم

ولی خوب میدونه دیوونه هستم

رقیه یا رقیه رقیه یا رقیه(۲)

*****

۱۵۱- مژده که دوباره، دنیا با صفا شد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مژده که دوباره، دنیا با صفا شد

حسین فاطمه، دوباره بابا شد

خداوند داده بهش یه دختر

دختری شبیه روی کوثر

شمیمش دلو کرده معطر

مددی مددی یا رقیه(۳)

*****

دل ارباب من، غرقه ی احساسه

وقتی که دخترش، رو دوش عباسه

رقیه که هستی زمینه

دلبر یل ام البنینه

از لباش حسین بوسه می چینه

مددی مددی یا رقیه(۳)

*****

گر چه او سه ساله است، اما حاجت میده

برات دیدن، یه زیارت میده

اومده خوشحال کنه ماها رو

بده تا برات کربلا رو

کنارش ببین فرشته ها رو

مددی مددی یا رقیه(۳)

*****

۱۵۲– قافله رفته بود و من بیهوش

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قافله رفته بود و من بیهوش

روی شن زارهای تفتیده

ماه با هر ستاره ای می گفت:

بی صدا باش! تازه خوابیده

قافله رفته بود و در خوابم

عطر شهر مدینه پیچیده

خواب دیدم پدر ز باغ فدک

سیب سرخی برای من چیده

قافله رفته بود و من بی جان

پشت یک بوته خار خشکیده

بر وجودم سیاهی صحرا

بذر ترس و هراس پاشیده

قافله رفته بود و من تنها

مضطرب، ناتوان ز فریادی

ماه گفت: ای رقیه چیزی نیست

خواب بودی ز ناقه افتادی

قافله رفته بود و دلتنگی

قلب من را دوباره رنجانده

باد در گوش ماه دیدم گفت:

طفلکی باز هم که جا مانده!

قافله رفته بود و تاول ها

مانعی در دویدنم بودند

خستگی، تشنگی، تب بالا

سد راه رسیدنم بودند

قافله رفته بود و می دیدم

می رسد یک غریبه از آن دور

دیدمش-سایه ای هلالی شکل-

چهره اش محو هاله ای از نور

از نفس های تند و بی وقفه

وحشت و اضطراب حاکی بود

دیدم او را زنی که تنها بود

چادرش مثل عمه خاکی بود

بغض راه گلوی من را بست

گفتمش من یتیم و تنهایم

بغض زن زودتر شکست و گفت:

دخترم، مادر تو زهرایم

۱۵۳- آیینه زاده ام که اسیر سلاسلم

مشخصات

مناسبت ایام اسارت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آیینه زاده ام که اسیر سلاسلم

هجده ستاره بر سر نیزه مقابلم

ما را زدند مثل اسیران خارجی

دارم هزار راز نگفته در این دلم

چشم همه به سمت زنان یا به نیزه هاست

غمگین ترین سواره مجروح محملم

آتش گرفت گوشه عمامه ام ولی

زخم زبان به شعله کشیده است حاصلم

مایی که باغ های جنان زیر پای ماست

حالا شده خرابه این شهر منزلم

داغ رقیه پیر نمود اهل بیت را

خون لخته های کنج لبش گشته قاتلم

۱۵۴- پلکی مزن که چشم ترت درد میکند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

پلکی مزن که چشم ترت درد میکند

پر، وا مکن که بال و پرت درد میکند

میدانم اینکه بعد تماشای اکبرت

زخمی که بود بر جگرت درد می کند

با من بگو که داغ برادر چه کار کرد

آیا هنوز هم کمرت درد میکند

مانند چوب خواهش بوسه نمیکنم

آخر لبان خشک و ترت درد میکند

لبهای تو کبود تر از روی مادراست

یعنی که سینه پدرت درد میکند

می خواستم که تنگ در آغوش گیرمت

یادم نبود زخم سرت درد میکند

کمتر به اسب نیزه سوار و پیاده شو

زاین حجمه های سنگ سرت درد میکند

۱۵۵- با اشک دانه دانه من کرده ام چراغان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

با اشک دانه دانه من کرده ام چراغان

مهمان خود بگیرم امشب به روی دامان

ویرانه ام شد غرق نور، آمد پدر از راه دور

عمه گمانم ماه من، آمده از کنج تنور

بابا حسین بابا حسین(۴)

*****

ای میهمان خسته غمت به دل نشسته

دور سرت بگردم چرا سرت شکسته

خوش آمدی ای میهمان، برای من قرآن بخوان

من بوسه گیرم تا سحر، از جای چوب خیزران

بابا حسین بابا حسین(۴)

*****

رفته شکیبائی ام طفل تماشائی ام

گرفته ضرب سیلی قوّت بینائی ام

ای دین و آئینم پدر، غمگین غمگینم پدر

کجای این ویرانه ای، تو را نمی بینم پدر

بابا حسین بابا حسین(۴)

*****

شکوه ندارم من ز تو اگر چه دیر آمدی

نیمه ی شب به دیدن دختر پیر آمدی

ای سر ببین پای سرت، امشب بمیرد دخترت

از بسکه سیلی خورده ام، گشتم شبیه مادرت

بابا حسین بابا حسین(۴)

*****

روی تو قرص قمر بیا و نازم بخر

یا که بمان در برم یا که مرا هم ببر

بر دامنم بنشسته ای، اما دلم بشکسته ای

با دخترت قهری مگر، که چشم خود را بسته ای

بابا حسین بابا حسین(۴)

*****

۱۵۶- می چکد خون دل از آه من

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع لاله های حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

می چکد خون دل از آه من

این طبق شد زیارتگاه من

شام هجرانم سر آمد ، میهمانم با سر آمد

عمه جان زینب کجایی ، ماه من از در ، در آمد

یا ابتاه ، ببر مرا

*****

مانده در سینه ام کوه دردی

کرده ام با عمه کوچه گردی

هر کجا اشکم بدیدند ، سوی طفلت می دویدند

جملگی با تازیانه ، ناز من را می خریدند

یا ابتاه ، ببر مرا

*****

شد پریشان موی خم در خمم

رو به پایان آمد عمر کمم

ای تمام بود و هستم ، در غمت از پا نشستم

گر پریشان مانده مویم ، شانه می افتد ز دستم

یا ابتاه ، ببر مرا

*****

۱۵۷- می دونی که از کی تنهام گذاشتی

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

می دونی که از کی تنهام گذاشتی

تو که از این عادتا بابا نداشتی

همیشه منو روی دوشت می ذاشتی

می دونی خواب هر شبم تو بودی بابا

می دیدم سر می ذارم روی پاهات شبها

وای دل من ابتاه یا حسین(۳)

*****

چشای من از غم تو غرق آبه

بی تو بابا زندگی برام عذابه

گریه می کنم برا اهل خرابه

تا دشمن می رسه توی خرابه بابا

جز عمّه سنگری دیگه ندارم اینجا

وای از دل من ابتاه یا حسین (۳)

*****

می دونی یه شب که تو صحرا خوابیدم

توی خواب مادر مجروح تو دیدم

ولی با تازیونه از خواب پریدم

بابا جون هر چی گفتم که یتیمم اما

پشت اسب منو می کشید به روی خارا

وای از دل من ابتاه یا حسین (۳)

*****

۱۵۸- دیشب تو خواب دیدم بابا شونه به موهام ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دیشب تو خواب دیدم بابا شونه به موهام کشیدی

تا گریه کردم دست تو به روی چشمام کشیدی

حالا که رو دومن من نشستی آروم ندارم

با اشک چشمام روی زخمای تو مرهم می ذارم

دلم گرفته از این غریبی، چرا بابا جون شیب الخضیبی

بابای مظلوم(۴)

*****

چهل تا منزل سر تو سایه بون سرم شده

بابا ببین صورت من شبیه مادرم شده

بذار که درد دل کنم یه قدری بالای سرت

چند شبه که گذشته و چیزی نخورده دخترت

بی تو خرابه تاریک و سرده، ببین دل من هوا تو کرده

بابای مظلوم(۴)

*****

۱۵۹- لالای لالای ای دختر خسته بخواب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

لالای لالای ای دختر خسته بخواب

لالای لالای ای دل شکسته بخواب

*****

نیمه ی شب هنوزم بیداری آروم جونم گل محزونم

هنوز عمه نمرده بخواب من خودم لالایی برات می خونم

پلکاتو ببند لالا لالا، جای تو می گم بابا بابا

منهم مث تو دیدم دیدم، رأس باباتو رو نیزه ها

*****

چرا ای بلبل من با سوز جگر می نالی چنین می خونی

به آب دیده ی خود عالم رو به آتیش غم تو می کشونی

خونین جگرم گریه مکن، من خسته ترم گریه مکن

آیینه ی زهرایی بنگر، خم شد کمرم گریه مکن

*****

۱۶۰- کاری کن عمه پای غم به گل بشینه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کاری کن عمه پای غم به گل بشینه

لرزیدن دست منو بابام نبینه

جای شراره مونده روی دامن من

دل نمی کند آتیش خیمه از تن من

بابام بابام بابام بابام حسینه(۲)

*****

نگاه به این صورت چون گلم کن عمه
این شب آخره تحملم کن عمه
حلال کن این کبوتر و تا به همیشه
بازوت دیگه از این به بعد کبود نمی شه
بابام بابام بابام بابام حسینه(۲)
*****

۱۶۱– منم آن گنج الهی که به ویرانه نهانم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک مرثیه
قالب قصیده
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع یک ماه خون گرفته(۲)
تعداد استفاده ۰

متن شعر

منم آن گنج الهی که به ویرانه نهانم
گر چه طفلم به خدا بانوی ملک دو جهانم
یم رحمت شده هر قطره ای از اشک روانم
عظمت، فتح، ظفر، سایه ای از قدّ کمانم
ابر سیلی است نقاب رخ همچون قمر من
چادر عصمت زهراست همانا به سر من
*****
زده از پنجه ی دل دخت علی شانه به مویم
جای گلبوسه ی زهرا و حسین است به رویم
مِهر را مُهر نماز آمده خاک سر کویم
گه در آغوش پدر ، گاه سر دوش عمویم
پای تا سر همه آئینه ی زهراست وجودم
شاهدم این قد خم گشته و این روی کبودم
*****
اشک من خون شده و در رگ دین گشته روانه

گل داغم زده در باغ دل عمه جوانه

همه جا گشته عزا خانه ی من خانه به خانه

شده از اجر رسالت بدنم غرق نشانه

خارها بود که می رفت فرو بر جگر من

پدرم از سر نی دید چه آمد به سر من

*****

دم به دم بر جگرم زخم روی زخم نشسته

دلم از داغ کباب و سرم از سنگ شکسته

رخ نیلی، لب عطشان، دل خونین ، تن خسته

گره از خلق گشایم به همین بازوی بسته

به رخم اشک فراق و به لبم بوده خطابه

نغمه ام یا ابتا و قفسم گشته خرابه

*****

طوطی وحی ام و پر سوخته ی شام خرابم

لحظه لحظه غم هجران پدر کرده کبابم

پدر آمد دل شب گوشه ی ویرانه به خوابم

ریخت از دیده بسی بر ورق چهره گلابم

گفت رویت ز چه نیلی شده زهرای سه ساله

مگر از باغ فدک بوده به دست تو قباله

*****

هر چه آمد به سرت من سر نی بودم و دیدم

آن چه را زخم زبان با جگرت کرد شنیدم

تو کتک خوردی و من بر سر نی آه کشیدم

این بلایی است که روز ازل از دوست خریدم

قاتل سنگدلم چون به تو بی واهمه می زد

دیدم انگار که سیلی به رخ فاطمه می زد

*****

حیف از آن خواب که تبدیل به بیداری من شد

گرم از شعله ی دل بزم عزاداری من شد

عمه ام باز گرفتار گرفتاری من شد

نه خرابه که همه شام پر از زاری من شد

لحظه ای رفت که دلدار به دلداری ام آمد

یار رؤیایی ام این بار به بیداری ام آمد

*****

شب تار و طبق نور و من و رأس بریده

من چو یک بلبل پر سوخته او چون گل چیده

گفتم ای یار سفر کرده ی از راه رسیده

من یتیمم ز چه رو اشک تو جاری است ز دیده

آرزویم همه این بود که روی تو ببوسم

حال بگذار که رگهای گلوی تو ببوسم

*****

عمه جان باغ ولایت ثمر آورده برایم

عوض میوه ی نایاب سر آورده برایم

سر باباست که خون جگر آورده برایم

صورت غرقه به خون از سفر آورده برایم

ای نبی از دل و جان لعل لبان تو مکیده

چه کسی تیغ به رگ های گلوی تو کشیده

*****

از همان دست که رگهای گلوی تو بریده

مانده بر یاس رخ نیلی من جای کشیده

بعد از آن ضربه جهان گشته مرا تار به دیده

یادم افتاد از آن کوچه و زهرای شهیده

زیر لب یا ابتا داشتم و زمزمه کردم

گریه بر مادر مظلومه ی خود فاطمه کردم

*****

طایر وحی ام و در کنج قفس ریخت پَرِ من

شسته شد دامن ویرانه ز اشک بصر من

کس ندانست و نداند که چه آمد به سر من

سوز «میثم» نبود جز شرری از جگر من

گریه ها عقده شده یکسره در نای گلویم

غم دل را به تو و عمه نگویم به که گویم؟

*****

۱۶۲- می خوام که امشب جونمو فدات کنم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

می خوام که امشب جونمو فدات کنم

بشین می خوام یک دل سیر نیگات کنم

می خوام یه خورده درد دل برات کنم

داره بارون می باره

*****

نمیدونی به سرم چی اومده

نمی دونی یتیمی چقدر بده

هر کی از راه رسیده منو زده

داره بارون می باره

*****

چشای خستتو بیا و وا نکن

به صورت کبود من نیگا نکن

زخمه لبات بیا منو دعا نکن

داره بارون می باره

*****

روی دامن میذارم من سر تو

من می بوسم رگای حنجر تو

تو ببین تو صورتم مادر تو

داره بارون می باره

*****

قاصدکا از پیش من خبر دارند برای تو

زنجیر پاهام نمی ذاشت تا برسم بپای تو

اشکای عمه می ریزه شبای بی تابی من

کابوس سر بریدنه دلیله بی خوابی من

نسیم گرم موی حواسمو داده به باد

از بس کتک خورده سرم هیچ چیزی یادم نمیاد

۱۶۳- حاتم که ز جود شهرتی پیدا کرد

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حاتم که ز جود شهرتی پیدا کرد

تا بر تو رسید سفره اش را تا کرد

قربان دو دست کوچکت بی بی جان

کز خلق گره های بزرگی وا کرد

۱۶۴- خدا دوباره فیض دیگری داد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خدا دوباره فیض دیگری داد

حسین را عطیه دختری داد

چه دختری قبله ی عشق همه

تمام قد آینه ی فاطمه

دختری از نژاد کوثر و نور

که رشک می برد به عصمتش حور
دختر سجاده ی راز و نیاز
صحیفه ی فاطمه را سر آغاز
عصاره ی ولایت حسین است
چکیده ی شجاعت حسین است
ز دیدنش حسین حظّ می برد
ناز رقیه را به جان می خرد
همه به دام مهرش افتاده اند
از نمک علی به او داده اند
گل بهار زینب و حسین است
دار و ندار زینب و حسین است
خدای را جلوه و مظهر است او
که خواهر علیِ اکبر است او
گاه سخن چشم همه به سویش
می شکفد گل از لب عمویش
فقط نه مست گشته از کلامش
قیام می کند به احترامش
خاطر او بین همه عزیز است
به گردنش ستاره سینه ریز است
حاجت مه نه جز نظاره ی او
فلک نگین گوشواره ی او
نه مهربان که مهربانترین است
هر نفسش مسیح آفرین است
جلوه ی خورشید هم از نقابش
حور و ملک ملازم رکابش
روح الامین به درگهش حاجب است
سجده به خاک حرمش واجب است
مِلک جنان به نام او خورده است
نهر عسل ز جام او خورده است
نجابت و حیا ترانه ی او
جود و کرم نم خزانه ی او
به منزلت چه گویمش کم اوست
دل خدا شکسته ی غم اوست

بسان لاله در دلش غم اندوخت
میان شعله های خیمه ها سوخت
در آتش فراغ و داغ جوشید
به تن لباس تازیانه پوشید
اسیر حلقه های زنجیر شد
نشد چهل رو عجب پیر شد
زخم فدک ارث به او رسیده
گرسنه و تشنه شده شهیده

۱۶۵- ای اختر مدینه و ماه منیر شام

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک واحد جدید
قالب قصیده
شاعر مؤید سید رضا
منبع شب شعر عاشورا ۱۰
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای اختر مدینه و ماه منیر شام
بر آفتاب روی تو هر روز و شب سلام
تو فاطمی نژادی و نامت رقیه است
نور دل حسینی و پرورده ی کرام
هم خود کریمه هستی و هم دختر کریم
هم خواهر امامی و هم دختر امام
چشم امید ماست بسویت همیشه وقت
روی نیاز ماست به کویت علی الدوام
گر کوچکی چو نقطه ی پرگار عالمی
بی نقطه هیچ دایره نپذیرد انسجام
در رشته ی اسارت اگر جان سپرده ای
سر رشته ی امور به دستت بود مدام
ای رفته پا به پای اسیران دشت خون

تا دیر و تا خرابه و زندان و بزم عام

هم محمل مجاهده ی دختر علی

همسنگر مبارزه ی چارمین امام

پیدا بود که واقعه ی کربلای عشق

با جان نثاری تو به ویرانه شد تمام

تفسیر خون سرخ حسینی به مرگ توست

ای یادگار خون خدا در دیار شام

شد آب، قلب کوچکت از شعله های غم

تا آنکه ریخت شهد شهادت تو را به کام

بودت غمی عمیق کنم وصف با چه حال

دیدی هزار داغ دهم شرح از کدام

دلها شده است مرکز غم از مصیبتت

وقتی تو را به غمکده ی شام شد مقام

با سر پدر به دیدنت آمد که هیچ گاه

از دخترش نکرده کس این گونه احترام

روحت به عزم بدرقه اش رفت تا بهشت

جسمت گرفت در دل آن غم سرا مقام

سر زد ز داغ های دلت لاله ها ز خاک

آن لاله های سرخ که شد دست انتقام

مهرت چراغ محفل ارباب معرفت

قبرت برای اهل نظر مرکز پیام

دلها به سوی توست پس از سالها هنوز

ای گنبدت منادی پیروزی قیام

ما را بر آستان تو روی ادب همه

ما را به پیشگاه تو عرض دعا تمام

با دستهای کوچکت از ما بگیر دست

ای دختر صغیر حسین ای رقیه نام

۱۶۶– بر اهل بیت فاطمه نور دو عین اوست

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر اهل بیت فاطمه نور دو عین اوست

تک بیت ناب شعر دل عالمین اوست

مصداق آنچنانی عشق حسین اوست

عشاق را تبلوری از شور و شین اوست

در کودکی مدرّس پیران مکتب است

در عاشقی محصّل ممتاز زینب است

*****

صدها فرشته دل شده ، بی تاب او شوند

گیرند اذن تا به در باب او شوند

یکدم به افتخار شرفیاب او شوند

خوشرنگ و بو تر از گل شاداب شوند

او بر امام دختر و عمّ و اُختیّه است

سرتاپای فاطمه نامش رقیه است

*****

او بلبل یگانه ی گلخانه ی خداست

او راز آسمانی اولاد مصطفی است

او چشمه ای ز کوثر و خود کوثری جداست

پیغمبر سه ساله ی صحرای کربلاست

۱۶۷– خار مغیلان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب نثر

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یک گیاه شناس: خار مغیلان اگر بپای کسی فرو برود علاوه بر درد و سوزشی که داره یه حالت بی حالی و بیهوشی به آدم دست میده این خار یه انسان بزرگ را از پا می اندازد

۱۶۸- مرا نیلی چو رنگ برگ کردند

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرا نیلی چو رنگ برگ کردند

خزان نیلوفر صد برگ کردند

نگو کنج خرابه مُرد آن طفل

بگو عمه، مرا دق مرگ کردند

۱۶۹- شعر پرواز کودکانه در مورد حضرت رقیه (ع)

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

توی خواب دیشب میدیدم بابا اومد تو خرابه
گفت که غمگین نشی یک وقت که نشستی تو خرابه
من توی آغوش بابام خوابای خوبی میدیدم
حرفای قشنگ اونو با دل و جون میشنیدم
درد دل کردم و گفتم بی شما چه ها کشیدم
توی این یک ماهه بابا یه روز خوشی ندیدم
گاه سواره توی زنجیر گاه پیاده میدویدم
بابا جون از این جماعت چه مصیبتا کشیدم
توی آغوش پدرجون خوابیدم واسه همیشه
آخه بی بابای خوبم زندگی هرگز نمیشه
بعد من انگار آوردن طبقی اون نابکارا
که تو اون گذاشته بودن سر نازنین بابا
اخه بعد مردن من تو خرابه انقلاب شد
وضع و حال عمه زینب بعد از اون خیلی خراب شد
دشمنا تا که شنیدن دختری به یاد بابا
گریه کرده تا دم صبح رفته با غصه ز دنیا
سر بابا مو آوردن تو خرابه تا بفهمم
که دیگه بابا ندارم تا یتیمی رو بفهمم
ولی من اونوقت بابامو تو بهشت باهام میدیدم
پاهام اونجا دیگه خوب بود دنبال اون میدویدم
دیگه حالا تو بهشتم من دیگه غمی ندارم
من سرم رو دیگه هرشب رو سینه بابام میذارم..........

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سره الشریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاـب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب ســــــــایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـــــــــل: Info@ghaemiyeh.com فروشـــــگاه اینترنــــتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹